

رهیافت دادگاه‌های داخلی پیرامون تحریم‌های شورای امنیت در مورد ایران: مطالعه آرای دادگاه‌های سنگاپور، بریتانیا و هلند

سیامک کرم‌زاده -

عبدالله عابدینی -

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/CILAMAG.2020.103852.1664

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

چکیده

در دوران پیش از برجام، دعاوی متعددی در ارتباط با اشخاص ایرانی در برخی دادگاه‌های داخلی به دلیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران اقامه شد. از جمله این آرا می‌توان به آرای دادگاه‌های سنگاپور، بریتانیا و هلند اشاره کرد. دعاوی مطرح در دادگاه‌های مذکور، فرصتی فراهم کرد تا دادگاه‌ها موارد ادعایی در پرونده‌ها را با لحاظ محدودیت‌ها و موانع ایجادشده در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و مقررات داخلی ذی‌ربط بررسی و ارزیابی کنند. آرای این دادگاه‌ها نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از نظام‌های قضایی داخلی به نفع طرف‌های ایرانی استفاده کرد. این گونه دعاوی که آمار دقیقی از آن‌ها در دست نیست، آن‌چنان که شایسته است، مورد توجه جامعه حقوقی ایران قرار نگرفته است. رویه قضایی حاصل از این دعاوی می‌تواند به اشخاص ایرانی فعال در بخش تجاری و همچنین نهادهای دولتی دست‌اندرکار کمک کند تا در دوران پس‌ابرجام، رهیافت حقوقی کشورهای مختلف را در بررسی اختلافات حقوقی مرتبط با تحریم‌های اعمال‌شده بر ایران درک کنند و آن‌ها را در آینده روابط حقوقی خود با نهادهای دولتی و خصوصی کشورهای دیگر مدنظر قرار دهند.

واژگان کلیدی

شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم، ایران، تفسیر، دادگاه‌های داخلی

مقدمه

پرونده هسته‌ای ایران از ۲۰۰۲ در دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت و در ۲۰۰۶ پرونده ایران به دلیل تخلف ادعایی از موازین پادمان و پروتکل الحاقی به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع شد. شورای امنیت از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ طی چهار قطعنامه تحریمی، محدودیت‌هایی را علیه اشخاص ایرانی مرتبط با صنعت هسته‌ای ایران وضع کرد. پیرو مذاکرات فشرده‌ای که از سال‌ها قبل میان ایران و گروه کشورهای موسوم به ۵+۱ (ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان) صورت گرفت، در ژوئیه ۲۰۱۵ توافق موسوم به «برنامه جامع اقدام مشترک»^۱ (برجام) منعقد شد که در پی آن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، یک هفته پس از انعقاد برجام به تصویب شورای امنیت رسید. بر اساس قطعنامه مزبور، شورا برجام را تأیید و مفاد تحریمی قطعنامه‌های سابق خود را لغو کرد. در عوض، محدودیت‌های زمانی در قالب تجویز پیشین شورا برای دریافت برخی اقلام و تجهیزات با کاربرد دوگانه برای ایران تعریف شد.

تا پیش از انعقاد برجام، دعاوی متعددی علیه اشخاص ایرانی در برخی محاکم داخلی به دلیل نقض تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران اقامه شد. در این خصوص می‌توان به آرای دادگاه‌های سنگاپور، بریتانیا و هلند اشاره کرد. این دادگاه‌ها در صدور آرای خود تحلیل‌هایی را در خصوص تفسیر و اجرای قطعنامه‌های تحریمی ایران انجام داده‌اند که با توجه به صدور آرای مذکور به نفع اتباع ایرانی و با لحاظ رویه ایجادشده در این باره برای ایران حائز اهمیت است.

رهیافت دادگاه‌های ملی در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند مورد توجه طرف‌های ایرانی مرتبط با این‌گونه دعاوی قرار گیرد. رویه قضایی حاصل از این دعاوی می‌تواند به اشخاص ایرانی فعال در بخش تجاری و همچنین نهادهای دولتی دست‌اندرکار کمک کند تا در دوران پس‌ابرجام و به‌ویژه پس از خروج ایالات متحده از برجام و اعاده تحریم‌ها علیه ایران، رهیافت حقوقی کشورهای مختلف را در بررسی اختلافات حقوقی مرتبط با تحریم‌های اعمال‌شده بر ایران درک کنند و آن‌ها را در آینده روابط حقوقی خود با نهادهای دولتی و خصوصی کشورهای دیگر مدنظر قرار دهند. در این پژوهش، سه رأی مهم و شاخص که در دادگاه‌های کشورهای سنگاپور، بریتانیا و هلند صادر شد، بررسی و ارزیابی می‌شود.^۲

۱. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

۲. تمرکز مقاله حاضر در بررسی رویه قضایی مرتبط با تحریم در مورد دعاوی خواهان‌های ایرانی پیش از برجام، مبتنی بر تفکیک بر اساس دو عامل بسیار مهم است. نخست: عنصر محل اقامه دعوا؛ در این حالت بر اساس اینکه دعوا در دادگاه داخلی کشورها اقامه شده باشد یا در دیوان دادگستری اروپا یا در دیوان بین‌المللی دادگستری، می‌تواند پیامدهای مختلفی بر نوع و زاویه نگاه تحلیلی پژوهشگر داشته باشد. توضیح اینکه دعاوی مطروحه در محاکم داخلی کشورها متأثر از فرهنگ حقوقی، منافع حقوقی و سیاسی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، وسعت نظر دادرس یا دادرسان رسیدگی‌کننده در توجه به رویه قضایی سایر کشورها یا رویه قضایی بین‌المللی متفاوت خواهد بود. دعاوی مطروحه در دیوان دادگستری اروپا نیز بر همین اساس دارای

۱. رأی دادگاه عالی سنگاپور: تفسیر مترقیانه از قطعنامه‌های شورای امنیت در پرتو رویه قضایی کامن‌لا و عملکرد دولت ایالات متحده^۳

در ۹ سپتامبر ۲۰۱۰ دعوایی علیه سه کشتی ایرانی به نام‌های سهند، سبلان و توچال (از این پس، خوانندگان) در دادگاه عالی سنگاپور اقامه و منجر به توقیف کشتی‌های مزبور در آب‌های سنگاپور شد.^۴ هرچند در آغاز خواسته خواهان، پیرامون تأخیر خوانندگان در پرداخت وام‌ها و انجام بیمه‌های لازم در خصوص کشتی‌های مزبور بود،^۵ قاضی رسیدگی کننده، موضوع را با تحریم ایران و اشخاص ایرانی از جمله شرکت کشتی‌رانی ایران مرتبط دانست و قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹ در مورد تحریم‌های ایران را بررسی کرد.^۶

ویژگی‌های خاص خود هستند زیرا برخلاف محاکم ملی که دعوی تحریمی را بر اساس تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد یا قانون داخلی خود بررسی می‌کنند، دیوان دادگستری اروپا، پرونده‌های تحریمی را در پرتو رویه قضایی منحصر به فرد اتحادیه اروپا و بر اساس دستورالعمل‌ها و تصمیمات اجرایی شورای اتحادیه اروپا بررسی می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز که در حال حاضر به دو پرونده «برخی اموال ایران» با تمرکز بر اموال بانک مرکزی و «نقض‌های ادعایی معاهده مودت ۱۹۵۵» با تمرکز بر نقض معاهده ۱۹۵۵ در پی اعمال تحریم‌های ایالات متحده آمریکا متعاقب خروج از برجام در ۸ مه ۲۰۱۸ رسیدگی می‌کند دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که نوع و کیفیت رسیدگی را از دو سطح دیگر یعنی محاکم داخلی کشورها و دیوان دادگستری اروپا متمایز می‌کند. دوم، عامل زمانی؛ بدین معنا که رویه قضایی که تا امروز با موضوع درخواست ابطال تحریم یا دریافت غرامت ناشی از تحریم مطرح شده، یا پیش از برجام اقامه شده‌اند یا پس از آن. جالب توجه اینکه در فضای پیش از برجام، به عنوان مثال، سیاست قضایی دیوان اروپایی چنین بود که نسبت به درخواست ابطال بیشتر خواهان‌های ایرانی پاسخ مثبت می‌داد اما پس از انعقاد برجام و خروج نام بسیاری از اشخاص تحریمی از فهرست ذی‌ربط یا درج نام مجدد آن‌ها با دلایل جدید در فهرست تحریمی اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد که فضای پیش و پس از برجام بر سیاست قضایی محاکم نیز اثرگذار بوده است. به همین دلیل مهم، تمرکز مقاله حاضر بر بررسی بخشی از رویه قضایی محاکم داخلی کشورها در دوران پیش از برجام است؛ ضمن اینکه به علت محدودیت حجمی در ارائه مقاله به ناچار به رویه قضایی محاکم داخلی توجه شده زیرا کمتر مورد توجه جامعه حقوق دانان قرار می‌گیرد و از طرفی، به نحو مطلوب نیز در دسترس همگان قرار ندارد و اطلاع‌رسانی لازم در مورد آن‌ها انجام نمی‌پذیرد. توجه به رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا در مورد پرونده خواهان‌های ایرانی با ادعای نقض حقوق بنیادین آن‌ها یا دریافت غرامت، موضوع مفصل دیگری است که مجال دیگری می‌طلبد. در مورد دعوی مربوط به دریافت غرامت در دیوان دادگستری اروپا، ن.ک: نوید رهبر و محمدرضا نریمانی زمان‌آبادی؛ «دریافت غرامت به استناد تحریم غیرقانونی اشخاص در اتحادیه اروپا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۳۶، شماره ۶۰، بهار-تابستان ۱۳۹۸.

۳. در مورد رأی سنگاپور، یکی از نویسندگان مقاله حاضر به تفصیل به بررسی رأی و تحلیل آن پرداخته است. ن.ک:

Amir Hosein Ranjbariyan, Abdollah Abedini, and Khalil Rozegari. "Interpreting the UN Security Council Resolutions by the Domestic Courts: The Judgment of the High Court of Singapore in the Iranian Nuclear Program", *Journal of East Asia and International Law*, Vol. 7, No. 2, 2015, pp. 409-425.

۴. The "Sahand" and Other Applications [2011] SGHC 27, available at: <http://www.singaporelaw.sg/sglaw/laws-of-singapore/case-law/free-law/high-court-judgments/14452-the-sahand-and-other-applications-2011-sghc-27>, Last visited on: 14/01/2019.

۵. میزان خواسته ابتدا ۳۷,۱۶۱,۶۴۵/۳۵ دلار آمریکا بود ولی بعداً با طرح ادعای دیگری به مبلغ ۱۸۲,۳۰۴,۹۸۸/۵۲ افزایش یافت.

۶. در خصوص بررسی قضایی قطعنامه‌های شورای امنیت در عرصه محاکم داخلی باید گفت که در سال‌های اخیر و به‌طور مشخص پس از رأی معروف کادی که از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ در دیوان اروپایی دادگستری مطرح بود، آرای چندی در خصوص

اگرچه این پرونده به‌طور مستقیم در قلمرو حقوق دریایی قرار می‌گیرد، به دلیل ارتباط آن با تحریم‌های شورای امنیت و اجرای داخلی قطعنامه‌های ذی‌ربط در نظام حقوقی سنگاپور، قاضی رسیدگی‌کننده به منطق انسداد پرداخت‌های صورت‌گرفته از سوی خواندگان در خصوص بدهی‌های مربوطه توجه می‌کند و بحث قلمرو و اثرگذاری قطعنامه‌های شورای امنیت و حتی عملکرد اتحادیه اروپا و برخی کشورها از جمله امریکا را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

۱-۱. حقوق دریایی و قطعنامه‌های شورای امنیت: از حقوق داخلی به سوی حقوق بین‌الملل

کوئنتین لو،^۷ قاضی دادگاه عالی سنگاپور در رأی ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱ به پرونده سه کشتی ایرانی توقیف‌شده در آب‌های سنگاپور پرداخت و اعلام کرد که با توجه به تسویه نهایی وام‌های به‌تأخیرافتاده و سایر هزینه‌های درخواست‌شده از سوی خواهان، سه کشتی مزبور در فهرست تحریم‌های شورای امنیت نبوده و باید رفع توقیف شوند. خواهان پرونده، مؤسسه‌ای مالی بود که وام‌هایی را جهت ساخت تعدادی کشتی در اختیار ایران قرار داده بود.^۸ این وام‌ها در قالب چند قرارداد در ۲۳ اوت ۲۰۰۶ حاوی دریافت وام جهت ساخت چندین کشتی و ترتیبات مربوط به اعتبارات و رهن آن‌ها تحت حاکمیت قانون انگلستان قرار داشتند. در بازه زمانی ۲۶ آوریل تا ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۰ تعدادی از مبالغ موافقت‌نامه وام پرداخت نشد. تخلف از مفاد موافقت‌نامه وام در خصوص تجدید بیمه موتور و بدنه و خطرات جنگ برای کشتی‌های مزبور از بیمه مورد تأیید و

جایگاه و قلمرو اختیارات شورای امنیت در زمینه مقابله با تروریسم صادر شد که از جنبه نحوه تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت در این باره می‌تواند جالب توجه و تأثیرگذار باشند. در این باره ن.ک: سیدباقر میرعاسی و عبدالله عابدینی؛ شورای امنیت و تروریسم؛ اشارات و تنبیهات محاکم ملی، در: سیدقاسم زمانی (ویراستار)، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم، مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، شهر دانش، ۱۳۹۲، صص ۵۲۲-۴۹۸. همچنین، ن.ک: محسن محبی و هادی آذری؛ «پاسخ‌هایی جدید به سؤال‌هایی قدیمی: درس‌هایی از آرای کادی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۵، ۱۳۹۵، صص ۶۷-۳۱. در این مقاله در پرتو آرای کادی به سه پرسش اساسی پاسخ داده شده است. نخست اینکه چه ارتباطی میان حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل در بررسی تصمیمات شورای امنیت در محاکم ملی و منطقه‌ای وجود دارد. دوم اینکه آیا امکان نظارت بر تصمیمات شورای امنیت وجود دارد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است چه دادگاهی چنین صلاحیتی را در اختیار دارد. سوم اینکه چگونه می‌توان میان مقابله با تروریسم و رعایت موازین حقوق بشر ارتباط برقرار نمود. برای مشاهده آخرین مطالعات انجام شده معتبر توسط مؤسسه حقوق بین‌الملل در زمینه امکان و سازوکارهای نظارت بر تصمیمات شورای امنیت به ویژه تحریم‌های شورای امنیت، ن.ک:

-Judicial Review of Security Council Decisions, Rapporteur: Rüdiger Wolfrum, Hyderabad Meeting, 2017, Available at: http://www.idi-iiil.org/app/uploads/2017/06/12eme_com.pdf, Last visited on: 20/01/2019.

-Review of Measures Implementing Decisions of the Security Council in the Field of Targeted Sanctions, Final Resolution, Rapporteur: Rüdiger Wolfrum, Hyderabad Meeting, 2017, Available at: <http://www.idi-iiil.org/app/uploads/2017/08/12-RES-FINAL-EN-COR.pdf>, Last visited on: 17/11/2018.

7. Quentin Loh

۸. خواندگان عبارت بودند از: Société Générale, and The Export-Import Bank of Korea

انجام بیمه‌های دیگر برای پشتیبانی و غرامت در خصوص کشتی‌ها، از دیگر موارد نقض ادعایی از سوی خواهان‌ها بود.^۹

پس از طرح دعوا از سوی خواهان در ۹ سپتامبر ۲۰۱۰ مبنی بر توقیف کشتی‌های ایرانی مورد اشاره، کشتی توچال در همان روز اقامه دعوا و کشتی‌های سه‌هند و سبلان در ۱۴ سپتامبر با دستور دادگاه عالی سنگاپور^{۱۰} توقیف شدند.

خواندگان پرداخت‌هایی را در سه مرحله به خواهان انجام داده بودند که به واسطه تحریم‌های عملی اتحادیه اروپا، پرداخت‌های مزبور در فرانسه مسدود می‌شد و در دسترس خواهان قرار نمی‌گرفت و خواهان که به‌عنوان مؤسسه‌ای اعتباری در فرانسه فعالیت می‌کرد نیازمند کسب مجوزی جهت دریافت وجوه مزبور از طریق درخواست به مدیرکل خزانه‌داری کشور فرانسه بود. در نتیجه این روند، خواهان برای رسیدن به خواسته خویش، درخواست فروش کشتی‌ها به‌صورت مزایده را به دادگاه ارائه و قاضی نیز ۱۲ نوامبر ۲۰۱۰ را جهت انجام مزایده کشتی‌ها به مقام مربوط اعلام کرد. آگهی مزایده نیز در جراید مربوط جهت مزایده کشتی‌ها در ۱۴ سپتامبر منتشر شد. در واکنش به این اقدام، وکلای خواندگان در ۹ دسامبر درخواست تعویق مزایده و فروش کشتی‌ها را جهت تأمین خواسته خواهان و همچنین اعتراض به افزایش ناگهانی مبلغ خواسته مزبور مطرح کردند که دادگاه آن را رد کرد.^{۱۱}

در ۱۴ دسامبر پس از پرداخت مبلغ ۱۵۵ میلیون یورو به خواهان، موضوع مزایده کشتی‌ها با دستور دادگاه کنار گذاشته شد. علی‌رغم پرداخت مبلغ مزبور، قاضی با طرح این پرسش بنیادین که چرا به‌رغم پرداخت‌های صورت‌گرفته از سوی خواندگان، خزانه‌داری فرانسه اجازه انتقال نهایی این پرداخت‌ها را به خواهان نمی‌دهد، مبانی انسداد اموال و دارایی در قطعنامه‌های شورای امنیت و ارتباط آن با حقوق داخلی سنگاپور را مورد توجه قرار داد.^{۱۲}

۱-۲. قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران: مجال تفسیر در پرتو

اجرای داخلی

قاضی دادگاه در بخش بعدی رأی خویش به موضوع ارتباط حقوق داخلی سنگاپور و حقوق بین‌الملل پرداخت و در سه بخش کلی، این مباحث را مدنظر قرار داد که آیا حقوق بین‌الملل منبع تعهد مستقلی برای حقوق داخلی سنگاپور است؟ دادگاه با لحاظ قانون اساسی سنگاپور و حتی رویه نظام

9. The "Sahand" and Other Applications, *op.cit.*, paras. 3-8.

۱۰. در خصوص ساختار قضایی سنگاپور، ن.ک: تارنمای دیوان عالی سنگاپور:

<http://app.supremecourt.gov.sg/default.aspx?pgID=43>

11. The "Sahand" and Other Applications, *op.cit.*, paras. 9-15.

12. *Ibid.*, paras. 16-18.

حقوقی انگلستان که تأثیر بسیاری بر نظام داخلی سنگاپور داشته است به این نتیجه می‌رسد که با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی این کشور و بر اساس الهام از اصل جاری در نظام حقوقی انگلستان، معاهدات بین‌المللی باید به‌واسطه تصویب توسط قوه مقننه کشور وارد نظام داخلی شود یا اینکه این اجازه از سوی قانونگذار سنگاپور به قوه مجریه جهت اجرای معاهدات بین‌المللی تفویض شود. در مورد حقوق بین‌الملل عرفی نیز با ارجاع به رویه داخلی سنگاپور، قاضی /و اظهار می‌دارد که حقوق بین‌الملل عرفی در نظام حقوقی سنگاپور، خودبه‌خود قابل اجرا نیست و برای استناد و مترتب‌شدن آثاری بر این منبع حقوق بین‌الملل در نظم حقوقی داخلی این کشور باید قاعده عرفی بین‌المللی توسط دادگاه داخلی اعمال یا به‌طور مشخص به‌عنوان بخشی از حقوق داخلی این کشور اعلام شود.^{۱۳}

پرسش دوم برای دادگاه این بود که آیا حقوق بین‌الملل می‌تواند به‌عنوان ابزاری تفسیری در خدمت قانونگذاری اولیه (قوه مقننه) یا ثانویه (تفویض قدرت قانونگذاری به قوه مجریه) قرار گیرد. وی با استناد به بخش دوم از ماده ۹۲ «قانون تفسیر»^{۱۴} سنگاپور، مصوب ۲۰۰۲ اعلام می‌کند که اگر اصول و قواعد حقوقی خارج از نظام حقوقی سنگاپور بتواند در تبیین قوانین و مقررات داخلی سودمند باشد می‌توان به اصول مزبور مراجعه کرد. بنابراین با توجه به اینکه مصوبات داخلی مربوط به اجرای تعهدات بین‌المللی ناشی از تصمیمات شورای امنیت در پرونده حاضر مورد توجه دادگاه است، حقوق بین‌الملل می‌تواند در تبیین معانی موردنظر دادگاه مورد استفاده قرار بگیرد.

موضوع سوم، اجرای تعهد بین‌المللی از سوی قوه مجریه است در زمانی که بنا به اختیاری که دارد بر طبق صلاحدید خود عمل می‌کند. در چنین شرایطی چگونه می‌توان به درستی اعمال چنین اختیاراتی حکم داد؟ دادگاه معتقد بود که اصل بر تجویز چنین اقداماتی از سوی قوه مجریه است مگر اینکه در این باره به نحوی خارج از حوزه اختیارات اعطایی^{۱۵} مندرج در قانون اساسی عمل کرده باشد.^{۱۶} در این باره به نظر می‌رسد که توجه دادگاه به ارتباط حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل برای رسیدگی به موضوعی که از ابعاد بین‌المللی برخوردار است قابل تأمل باشد.

دادگاه در مقام بیان اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران به برخی مصوبات داخلی سنگاپور از جمله قانون مهاجرت، مصوب ۲۰۰۸، مقررات مربوط به صادرات و واردات، مصوب ۱۹۹۶، قانون کنترل کالاهای راهبردی، مصوب ۲۰۰۳ و قانون کشتی‌رانی بازرگانی، مصوب ۱۹۹۶ اشاره کرد. اما دو مقرر قانونی سنگاپور در این پرونده و به‌طور مشخص در مورد تحریم‌های شورای امنیت، مورد توجه ویژه دادگاه بود. نخست، مقررات مربوط به سازمان (نهاد) پولی سنگاپور (تحریم‌ها

13. *Ibid.*, paras. 31-33.

14. Interpretation Act, (Original Enactment: Act 10 of 1965), Revised Edition 2002, available at: <https://sso.agc.gov.sg/Act/IA1965?ValidDate=20180917>. Last visited on: 16/10/2020.

15. *ultra vires*

16. *Ibid.*, paras. 34-35.

و انسداد اموال اشخاص مرتبط با ایران)، مصوب نهاد تجویز مالی سنگاپور در ۱۷۲۰۰۷^{۱۷} که در راستای بخش دوم از قسمت اول ماده ۲۷ قانون تجویز مالی سنگاپور، مصوب ۱۹۹۹ صادر شد (از این پس «مقررات مربوطه به تجویز پولی سنگاپور») و دیگری مقررات ملل متحد در ارتباط با تحریم‌های ایران، مصوب ۲۰۰۷ (از این پس مقررات ملل متحد)^{۱۸}.

مصوبه نخست راجع به اعطای اختیار به مقام مالی در راستای اتخاذ مصوباتی در خصوص نهادهای مالی است که در جهت اجرای تعهدات ناشی از تصمیمات شورای امنیت عملی می‌شوند و مقرر دوم، وزیر دادگستری سنگاپور را مجاز به اتخاذ تدابیر لازم پیرامون اجرای ماده ۴۱ منشور ملل متحد می‌کند.

دادگاه در ادامه به‌طور مشخص به بحث اجرای قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران در نظام حقوقی سنگاپور می‌پردازد و بندهای ۱۲ تا ۱۵ قطعنامه ۱۷۳۷ را مبنای انسداد اموال می‌داند. بند ۱۲ این سند به‌عنوان مبنایی‌ترین مقرر انسداد اموال اعلام می‌دارد: شورای امنیت «تصمیم می‌گیرد که همه دولت‌ها باید به انسداد سرمایه، سایر اموال اعتباری و منابع اقتصادی اقدام کنند که در زمان تصویب قطعنامه حاضر یا پس از آن در سرزمین خود دارند، به نحوی که تحت مالکیت یا کنترل اشخاص یا موجودیت‌های تعیین‌شده در پیوست قطعنامه و همچنین سایر اشخاص و موجودیت‌هایی که از سوی شورای امنیت یا کمیته تحریم تعیین می‌شوند و به نحو مستقیم یا با ارائه پشتیبانی در فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران یا توسعه سیستم‌های پرتاب موشک مشارکت دارند یا از طریق اشخاصی که از طرف یا تحت هدایت آن‌ها اقدام می‌کنند یا از طریق موجودیت‌هایی که از طریق ابزارهای غیرقانونی و نامشروع، متعلق بدان‌ها یا تحت کنترل‌شان هستند. ضمن اینکه این اقدامات در مورد این اشخاص و موجودیت‌ها در زمانی که شورای امنیت یا کمیته تحریم تعیین می‌کند باید متوقف شوند. همچنین شورا تصمیم می‌گیرد که همه دولت‌ها تضمین کنند که از در اختیار قرار گرفتن سرمایه، سایر اموال اعتباری و منابع اقتصادی از طریق اتباع خویش یا اشخاص و موجودیت‌هایی که در سرزمین‌شان حضور دارند به اشخاص و موجودیت‌های تحریم‌شده یا به نفع آن‌ها ممانعت به عمل آورند».

بخش بعدی رأی، به بررسی تطبیقی مقررات ملل متحد به‌عنوان مصوبه‌ای از نظام حقوقی سنگاپور پرداخته است. این مقرر به تحریم اشخاص و موجودیت‌های تحریمی می‌پردازد. مقرر هشتم و نهم مقررات ملل متحد، بند ۱۲ قطعنامه ۱۷۳۷ را در چارچوب نظام حقوقی سنگاپور جذب و اجرایی کرده و اشخاص و شهروندان حاضر در یا خارج از سنگاپور را در ممانعت از معامله اموال با اشخاص تحریمی مدنظر قرار داده است. به نظر دادگاه بر اساس بند اول ماده ۲ قانون تفسیر

17. Monetary Authority of Singapore (Sanctions and Freezing of Assets of Persons – Iran) Regulations 2007.

18. The United Nations (Sanctions – Iran) Regulations 2007 (S 105/2007).

سنگاپور، منظور از یک شخص که مقررات ملل متحد بر آن قابل اعمال است، هر شرکت یا انجمن یا مجموعه‌ای از اشخاص به‌طور منفرد یا مجتمع است.^{۱۹}

مقررات مربوط به تجویز پولی سنگاپور نیز هر گونه نهاد مالی را که مغایر با این مقررات رفتار کند، مسئول قلمداد کرده است. بخش‌های اول و دوم از بند ۵ مقررات مربوط به تجویز پولی سنگاپور، بند ۱۲ قطعنامه ۱۷۳۷ را در حقوق داخلی سنگاپور جذب و اجرایی کرده است. انسداد اموال و ممانعت از در دسترس قرار گرفتن اموال در این خصوص، مشابه با بند ۱۲ قطعنامه ۱۷۳۷ است. بخش سوم از بند ۵ مقررات مربوط به تجویز پولی سنگاپور نیز بند ۱۳ قطعنامه یادشده را در نظام داخلی سنگاپور وارد کرده است. در اینجا نیز قاضی لو، شرط اجرای تحریم نهادهای مالی را منوط به احراز شرایط مقررات مزبور می‌داند که برای اجرا در حوزه داخلی کافی است.

در خصوص استثنای بند ۱۵ قطعنامه ۱۷۳۷ مبنی بر اینکه انسداد اموال اشخاص و موجودیتهای تحریمی نباید در مورد پرداخت‌های قراردادی اعمال شود به شرطی که قرارداد مزبور پیش از تصویب قطعنامه حاضر و درج نام اشخاص تحریمی در فهرست تحریم‌ها منعقد شده باشد، ضمن اینکه دولت مزبور باید اطمینان حاصل کند که قرارداد در خصوص موارد ممنوعه در قطعنامه نبوده است و این پرداخت به نحو مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار شخص تحریم‌شده قرار نمی‌گیرد، مقررهای در قانون مقام پولی سنگاپور یا دیگر قوانین سنگاپور وجود ندارد و دادگاه بر اساس اصول کامن‌لا به تعیین محدوده مزبور در قوانین و تفاسیر مرتبط مبادرت ورزید و در نتیجه، معتقد بود که با احراز معیارهای مندرج در بند ۱۵ قطعنامه ۱۷۳۷ اثر غیرمستقیمی در خصوص اعمال استثنای بند مزبور وجود خواهد داشت.^{۲۰} قاضی مزبور در ادامه دو پرسش را مطرح می‌کند: نخست اینکه آیا کشتی‌های توقیفی در فهرست تحریم‌های شورای امنیت قرار دارند و دوم اینکه در صورت پاسخ مثبت به پرسش نخست، محدوده و کیفیت انسداد اموال و دارایی به چه شکل خواهد بود.^{۲۱}

۱-۳. پرسش نخست: آیا کشتی‌های توقیفی در فهرست تحریم‌های شورای

امنیت قرار دارند؟

در پاسخ به پرسش نخست، دادگاه بر این باور است که پاسخ مزبور تا حد زیادی بر این نکته مبتنی است که آیا کشتی‌های توقیف‌شده، زیرمجموعه خطوط کشتی‌رانی ایران^{۲۲} تلقی می‌شوند یا خیر؟

19. *Ibid.*, para. 40.

20. *Ibid.*, para. 46.

21. *Ibid.*, para. 49.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود همانند رهیافت دیوان اروپایی دادگستری در رأی معروف کادی در ۲۰۰۸، قاضی لو نیز در رأی خود به رهیافت دوالبسم توجه می‌دهد. ن.ک: محبی و آذری؛ همان، صص ۴۴-۳۹.

22. Islamic Republic of Iran Shipping Lines –IRISL.

این نکته در آغاز دادرسی نیز مورد توجه قرار گرفت و از آنجا که این موضوع با ادعای خواهان و بدون اعتراض خواندگان مواجه شد، دادگاه چنین فرض می‌کند که کشتی‌های مزبور زیرمجموعه و بخشی از خطوط کشتی‌رانی ایران قلمداد می‌شوند. اما آیا این خطوط، جزیی از منابع اقتصادی مورد تحریم تلقی می‌شوند؟ در سه قطعنامه آغازین، به انسداد اموال در خصوص کشتی‌ها توجه نشده بود اما قطعنامه ۱۹۲۹ در بند ۱۹ خود به این نکته اشاره کرده که خطوط کشتی‌رانی ایران، مندرج در پیوست سوم همین سند، در فهرست تحریم قرار می‌گیرند.^{۲۳}

از منظر خواندگان و دادستانی سنگاپور، بند ۱۹ مزبور، معنایی کاملاً دقیق و مشخص دارد زیرا ضمیمه سوم، به‌تنهایی به سه شرکت خطوط کشتی‌رانی ایران، یعنی شرکت کشتی‌رانی ایران و هند، ایران بنلوکس و خطوط کشتی‌رانی جنوب^{۲۴} اشاره کرده و این موضوع شامل زیرمجموعه‌ها و موجودیت‌هایی تحت کنترل و هدایت این سه شرکت نیز می‌شود و نه تمام خطوط کشتی‌رانی ایران. در فهرست منتشره کمیته تحریم در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ نیز صرفاً نام همین سه شرکت آورده شده است. قاضی لو نیز این نکته را پذیرفت.^{۲۵}

از طرف دیگر، قاضی لو برای مشروع‌بودن فعالیت‌های خطوط کشتی‌رانی ایران به بند ۱۸ قطعنامه ۱۹۲۹ اشاره می‌کند که در این بند گفته شده، انجام خدماتی مانند دلالی یا خدمات دیگری برای کشتی‌های متعلق به یا تحت قرارداد با ایران برای نقل و انتقال موارد ممنوعه مندرج در قطعنامه‌ها ممنوع است، مشروط بر اینکه دلایل معقولی مبنی بر حمل موارد ممنوعه مذکور وجود داشته باشد. وی معتقد است که مفهوم مخالف این بند این است که اگر دلیلی مبنی بر حمل موارد ممنوعه در کشتی‌های ایرانی یا تحت قرارداد با ایران وجود نداشته باشد، دلیلی بر انسداد اموال آن‌ها یا خود کشتی‌ها وجود ندارد. ضمن اینکه ذیل بند ۱۸ نیز در ادامه اعلام می‌کند این بند، قصدی مبنی بر اختلال در فعالیت‌های اقتصادی قانونی این کشتی‌ها ندارد.^{۲۶}

در مقابل، وکیل خواهان چنین استدلال می‌کند که ذکر نام خطوط کشتی‌رانی ایران در بند ۱۹ و در صدر پیوست سوم، دلیلی است بر اینکه همه کشتی‌های این خطوط در فهرست تحریم قرار دارند. ضمن اینکه در دستورالعمل اتحادیه اروپا مورخ ۲۵ اکتبر ۲۰۱۰ نیز این خطوط در زمره موارد تحریمی قلمداد شده است. بخش اول بند ۱۶ این دستورالعمل، اشخاص مندرج در پیوست هفتم را در زمره تحریم‌ها تلقی کرده و بخش دوم همین بند نیز اشخاص دیگری را که در پیوست هفتم جای نداشتند، در پیوست هشتم قرار داده است که به این ترتیب خطوط کشتی‌رانی ایران نیز باید در این پیوست قرار داشته باشند.

23. *Ibid.*, paras. 51-52.

24. Irano Hind Shipping Company, IRISL Benelux NV and South Shipping Line Iran.

25. *Ibid.*, para. 52.

26. *Ibid.*, para. 53.

قاضی لو استدلال و کیل خواهان را به دو دلیل رد می‌کند. نخست اینکه آوردن نام سه شرکت مشخص کشتی‌رانی متعلق به خطوط کشتی‌رانی ایران در صورتی که مراد و منظور شورای امنیت، تمام شرکت‌های زیرمجموعه خطوط کشتی‌رانی باشد، امری زائد است؛ در حالی که به نظر می‌رسد قصد و نیت مشخص شورای امنیت، این سه شرکت کشتی‌رانی بوده و قصد تحریم تمام خطوط کشتی‌رانی ایران را نداشته است. این نکته در گزارش کمیته تحریم نیز تأیید شده است. ضمن اینکه دستورالعمل اتحادیه اروپا نیز در بخش اول از بند ۱۶ خود به برخی شرکت‌های خطوط کشتی‌رانی ایران اشاره داشته و مفروض دانستن خطوط کشتی‌رانی ایران به شکل کلی در پیوست هشتم دستورالعمل مزبور، غیرمنطقی تلقی می‌شود.^{۲۷}

از طرفی این موضوع که آیا کشتی‌های توقیفی، بخشی از موجودیت‌های تحت کنترل و هدایت سه شرکت تحت تحریم قطعنامه‌های شورای امنیت هستند یا خیر، بستگی به بررسی هر مورد دارد و این بحث کمی احراز موضوع را مشکل می‌کند. نخست اینکه خواندگان تحت مالکیت خطوط کشتی‌رانی ایران هستند و بخشی از زیرمجموعه‌های آن تلقی می‌شوند. از طرفی آقای مهرزاد سلیمانی فر به‌عنوان نماینده خطوط کشتی‌رانی ایران در سنگاپور که ادله‌ای را در حمایت از ادعاهای خواندگان در دادگاه حاضر مطرح کرده است، خود در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار دارد. اما قاضی لو معتقد است که در کل نمی‌توان این موارد را مرتبط با قرارگرفتن کشتی‌های توقیفی در فهرست تحریم قطعنامه ۱۹۲۹ دانست.^{۲۸} در واقع، وی با تعیین آستانه‌ای بالا برای قرارگرفتن سه کشتی توقیفی در دایره تحریم‌های شورای امنیت، بر این دیدگاه است که به‌رغم وجود دو گزینه، قراردادن کشتی‌های توقیفی به‌عنوان زیرمجموعه خطوط کشتی‌رانی ایران و قراردادن نماینده خطوط کشتی‌رانی ایران در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا، باز هم نمی‌توان حکم بر داخل‌بودن سه کشتی توقیفی در فهرست تحریم‌های شورای امنیت صادر کرد مگر اینکه به‌صراحت، نام این سه کشتی در قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با تحریم ایران یا فهرست منتشره کمیته تحریمی ۱۷۳۷ درج شود.

قانون مقام پولی سنگاپور، تعریف اشخاص تحریم‌شده را به فهرست تحریم‌های ملل متحد ارجاع می‌دهد که در آن نیز نامی از کشتی‌های توقیفی برده نشده است. در نهایت، قاضی لو اعلام می‌دارد که با توجه به فقدان ادله مثبت ادعای خواهان، هیچ‌یک از خواندگان (کشتی‌های سپهند، سیلان و توچال) تحت کنترل یا هدایت مستقیم یا غیرمستقیم اشخاص تحت تحریم شورای امنیت نبوده‌اند و از این‌رو قطعنامه‌های شورای امنیت در این باره قابلیت اعمال ندارد و از طرف دیگر، مقررات مربوطه سنگاپور در خصوص انسداد اموال آن‌ها قابل اعمال و اجرا نیست.^{۲۹}

27. *Ibid.*, para. 55.

28. *Ibid.*, para. 57.

29. *Ibid.*, para. 62.

۱-۴. پرسش دوم: محدوده و کیفیت انسداد اموال و دارایی به چه شکل خواهد بود؟

دادگاه بر این باور بود که با پاسخ به پرسش نخست مبنی بر قراردادن کشتی‌های توقیفی در فهرست تحریم‌های شورای امنیت، پاسخ به پرسش دوم منتفی است. با وجود این، برای تکمیل فرایند مزبور و با فرض قراردادن خواندگان در فهرست تحریم‌ها، به پرسش دوم نیز پاسخ می‌دهد. دادگاه معتقد است که کشتی‌های مورد بحث از جمله منابع اقتصادی هستند که می‌توانند در قالب انسداد اموال، مخاطب بند ۱۲ قطعنامه ۱۷۳۷ قرار بگیرند. برای تعیین دقیق محدوده و قلمرو این بند نیز نه تنها باید به نحوه عبارت‌پردازی بلکه به عملکرد دولت‌ها در این زمینه توجه کافی داشت. دادگاه در این خصوص به بخش سوم از بند سوم ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ و یکی از مقالات حقوق‌دانان مطرح در این زمینه^{۳۰} اشاره کرد^{۳۱} و برای توجه به رویه عملی در این خصوص، رجوع دوباره‌ای به بند ۱۶ دستورالعمل ۲۵ اکتبر ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا داشت. پیوست هشتم خطوط کشتی‌رانی ایران و تمام زیرمجموعه‌های آن، به همراه ۲۳ موجودیت دیگر، خطوط کشتی‌رانی را به‌طور مشخص در بر می‌گیرد.^{۳۲}

دادگاه به این نکته مهم اشاره کرد که بخش دوم از بند ۱۶ مقررات مزبور، اجازه توقیف کشتی‌های متعلق به یا تحت کنترل خطوط کشتی‌رانی ایران را نمی‌دهد. وی در نگاه اول این استثنا را برای بخش دوم بند ۱۶ می‌داند که مربوط به تحریم‌های یک‌جانبه فراتر از تحریم‌های شورای امنیت است.^{۳۳} اما در تحلیل و تفسیری صحیح از این استثنا معتقد است که این موضوع باید به موجودیت‌های تحریمی موردنظر شورای امنیت مندرج در بخش اول از بند ۱۶ نیز تسری پیدا کند زیرا اگر چنین برداشتی از تسری استثنای عدم توقیف کشتی‌ها به بخش اول صورت نگیرد، کشتی‌های موضوع تحریم شورای امنیت می‌توانند به‌سادگی کشتی‌های زیرمجموعه خود را به خطوط کشتی‌رانی مندرج در فصل هشتم و موجودیت‌های تحت تحریم اتحادیه اروپا منتقل و از این طریق، اثرگذاری تحریم‌های شورای امنیت در این باره را خنثی کنند. دادگاه معتقد بود که اتحادیه اروپا به هنگام تصویب این دستورالعمل به این مهم توجه داشته و قصد اتحادیه، تسری استثنای عدم ضبط یا توقیف کشتی‌های تحریمی به کشتی‌ها و خطوط کشتی‌رانی مدنظر این اتحادیه و همچنین شورای امنیت بوده است. بند ۲۰ قطعنامه ۱۹۲۹ نیز به امکان انتقال خطوط

30. Michael C. Wood, "The Interpretation of Security Council Resolutions", *Max Planck YB UN Law*, Vol. 73 1998, at pp 94-95. Cited from: *Sahand case, op. cit.*, paras. 63-66.

31. *Ibid.*, paras. 63-66.

32. *Ibid.*, para. 67.

33. برای مشاهده تحلیلی مناسب از چارچوب تحریمی اتحادیه اروپا خارج از حقوق امنیت دسته‌جمعی ملل متحد، ن.ک:

Alexander Orakhelashvili, "The Impact of the EU's Unilateral Economic Sanctions on the UN Collective Security Framework", in, *Géostratégie Giques n° 40 • 3e trimestre, Les sanctions visant à préserver la non-prolifération nucléaire*, 2013, pp.121-140.

کشتی‌رانی تحریمی به سایر شرکت‌ها برای فرار از تحریم اشاره کرده است.^{۳۴} وی برای تأیید برداشت خود از این مقرر به اطلاعیه مندرج در تارنمای وزارت خزانه‌داری بریتانیا در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۰ اشاره می‌کند که انسداد اموال خطوط کشتی‌رانی ایران را مستلزم توقیف یا ضبط کشتی‌ها نمی‌داند.

قاضی لو برداشت و دریافت اتحادیه اروپا را در تفسیری هماهنگ از بند ۱۹ قطعنامه ۱۹۲۹ با بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷ مهم تلقی کرده است و علت آن را لزوماً نه حضور صرف دو عضو دائم و دارای حق وتوی شورای امنیت (بریتانیا و فرانسه) که اتخاذ اقدامات شدیدتر از شورای امنیت از سوی اتحادیه اروپا علیه ایران و اجرای جدی تحریم‌های مزبور از طرف اتحادیه می‌داند. به همین دلیل وی برداشت‌های موسع دولت آمریکا را در گزارش‌دهی به کمیته تحریم و قانونگذاری‌های داخلی مربوط به تحریم ایران در تفسیر قطعنامه‌های تحریمی چندان مؤثر نمی‌داند زیرا آمریکا دو سال پیش از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در ۲۰۱۰ بر اساس قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی، مصوب ۲۰۰۸^{۳۵} تمام خطوط کشتی‌رانی ایران را ذیل موضوع تحریم‌های یک‌جانبه خویش قرار داده بود.^{۳۶} بنابراین، دادگاه با توجه به عملکرد بین‌المللی معتقد است که حتی اگر در مورد شناسایی کشتی‌های سه‌گانه توقیفی توسط دادگاه به‌عنوان موجودیت‌های تحریمی اشتباه کرده باشد، نمی‌توان آن‌ها را به‌واسطه عملکرد بین‌المللی و بر مبنای قوانین داخلی سنگاپور توقیف کرد.^{۳۷}

دادگاه در خصوص بحث اصلی دعوا که به‌طور خاص مربوط به پرداخت‌های اقساط ساخت کشتی‌های توقیفی بود، مهلت‌هایی را برای خواندگان جهت پرداخت مبالغ مزبور تعیین کرد. از طرف دیگر نیز تلاش‌های خواهان در فرانسه مبنی بر کسب مجوز پرداخت حساب‌های مسدودشده خواندگان موجب شد تا در نهایت با ارائه مجوز پرداخت از سوی خزانه‌داری فرانسه، بدهی‌های موردنظر خواهان تا روز صدور رأی پرداخت شود. از این‌رو دیگر موضوعی برای اختلاف میان طرفین باقی نمی‌ماند و بدین ترتیب، دستور آزادی و رفع توقیف سه کشتی مزبور صادر شد.^{۳۸} قاضی لو در پایان رأی خویش در ابتکاری جالب، در مقام جمع‌بندی نکات گفته‌شده، بدین موضوع توجه می‌کند که در هر صورت، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت اثرات انکارناپذیری بر توقیف کشتی‌های تحت مالکیت یا کنترل موجودیت‌ها و اشخاص مندرج در فهرست تحریم شورای امنیت دارد. در ادامه، وی برای تبیین این موضوع به مسئله قابلیت اعمال قانون مقام پولی سنگاپور می‌پردازد که امکان انسداد منابع مالی و اعتباری را فراهم می‌کند؛ منابعی که جهت رفع توقیف کشتی‌ها یا

34. *Sahand case, op.cit.*, para. 67.

35. International Emergency Economic Powers Act of September, 20th, 2008

36. *Sahand case, op.cit.*, para. 70.

37. *Sahand case, op.cit.*, para. 72.

38. *Ibid.*, paras. 73-82.

تضمینات مربوطه در این خصوص از سوی خواندگان در سیستم مالی سنگاپور وارد می‌شد. این بدان معناست که حتی اگر خواهان، حکمی را علیه خواننده به دست می‌آورد، امکان اجرای آن را نداشت. وی در نگاهی به قراردادهای منعقد شده با اشخاص تحریمی، پس از قرار گرفتن نام آن‌ها در فهرست تحریم، معتقد است که این قراردادها دیگر قابلیت اجرایی کافی را نخواهند داشت و تنها استثنای مندرج در بند ۱۳ قطعنامه ۱۷۳۷ می‌تواند در این خصوص مورد توجه باشد که در امور تجاری چنین استثنایی چندان موسع نخواهد بود. درباره قراردادهای منعقد شده پیش از قرار گرفتن نام اشخاص تحریمی در فهرست تحریم نیز باید به معیارهای مندرج در بند ۱۵ قطعنامه مزبور توجه کرد. وی در مقام ارائه راهکار عملی در گذر از سد تحریم‌ها اظهار می‌دارد که طرفین اختلاف باید پیش از اقامه دعوا از مشاوره حقوقی لازم بهره‌مند شوند و در صورت اقتضا، استثنائات مزبور در قطعنامه‌ها را مدنظر قرار دهند تا بدین شکل بتوانند به سرمایه و اموال یا منابع اقتصادی مسدود شده خود دست یابند.^{۳۹}

۵-۱. تحلیل رأی سنگاپور

در تحلیلی از رأی دادگاه عالی سنگاپور باید به رهیافت دقیق این دادگاه در تبیین قلمرو قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت اشاره داشت که به دنبال بیان دیدگاه قضایی کشوری است که با درکی درست از قطعنامه‌های مزبور به دنبال اجرای دقیق آن‌هاست. بنابراین، همان‌طور که گفته شد، زبان و بیان موسع اسناد مزبور می‌تواند در نحوه تفسیر و در نتیجه، اجرای آن‌ها کمک شایانی کند.^{۴۰}

در این راستا، رهیافت معقول و بدون حاشیه دادگاه عالی سنگاپور در بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت می‌تواند مورد توجه خواهان‌ها و حتی خواندگان ایرانی تحت تحریم قرار گیرد. قاضی لو با طرح موضوع تأثیر تحریم‌ها در عدم تأدیه طلب خواهان در پرونده مورد بحث، به درستی به موضوع نحوه تفسیر و اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران می‌پردازد. وی به نحو عمده با خوانشی ساده و تحت‌اللفظی از مقررات مندرج در قطعنامه‌ها از جمله بندهای ۱۲ قطعنامه ۱۷۳۷ و بند ۱۹ قطعنامه ۱۹۲۹ به آنچه مقصود اصلی وی از طرح پرسش قرار گرفتن کشتی‌های ایرانی توقیفی در حوزه موجودیت‌های تحریمی بود، دست یافت. دادگاه مذکور با توجه به رویکرد برخی کشورها و همچنین اتحادیه اروپا به تفسیری هماهنگ از بندهای یاد شده رسید و با رهیافتی منطقی و به دور از پیچیدگی، کشتی‌های توقیفی را در زمره موجودیت‌های تحریمی قلمداد نکرد. وی حتی گامی فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت برداشته و به نحوه تفسیر دستورالعمل اتحادیه اروپا، مصوب ۲۰۱۰ نیز توجه دارد.

39. *Ibid.*, paras. 88-91.

40. Seow Zhixiang, "Interpreting and Applying the UNSC Sanctions on Iran in the Admiralty Context: The Sahand [2011] SGHC 27", available at: <http://www.ejiltalk.org/interpreting-and-applying-the-unsanctions-on-iran-in-the-admiralty-context-the-sahand-2011-sghc-27/#more-3296>, Last visited on: 10/02/2019.

نکته شایان تأمل در تجزیه و تحلیل دادگاه عالی سنگاپور، پرهیز از بررسی مشروعیت صدور و نحوه اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا است. دادگاه در اشاره به این نکته که ممکن است در قبال طرح پرسشی از اطراف اختلاف یا نمایندگان دولت سنگاپور در دادگاه، تعهدی بر عهده دولت سنگاپور ایجاد شود، از بررسی اقدامات انجام‌شده در شورای امنیت به‌عنوان اتخاذ تدابیر محدودکننده بر اساس ماده ۴۱ منشور و در راستای رژیم حقوقی امنیت دسته‌جمعی یا بررسی مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه و فراتر از محدوده و قلمرو قطعنامه‌های شورای امنیت در مصوبات مربوطه اتحادیه اروپا خودداری می‌وزرد. با این حال، دادگاه به‌طور ضمنی به اتخاذ اقدامات شدیدتر اجرایی در زمینه تحریم علیه ایران از سوی اتحادیه اروپا اشاره می‌کند. حتی در یک فراز از رأی، با اتخاذ موضعی زیرکانه، به نحو تلویحی مصوبات ایالات متحده آمریکا را به دلیل سبقت‌جستن از تدابیر اتخاذی شورای امنیت، شایسته توجه و استفاده در تفسیر قطعنامه‌ها و حتی عملکرد دولتی نمی‌داند.^{۴۱}

۲. رأی دیوان عالی بریتانیا در پرونده بانک ملت علیه وزارت خزانه‌داری:

خودسرانه و غیرمنطقی بودن گزینش خواهان از میان اشخاص مشابه

ازجمله اشخاص مورد هدف تحریم‌ها در اتحادیه اروپا، بانک‌های ایرانی هستند که به دلیل ادعای مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در برنامه هسته‌ای ایران، در فهرست تحریم‌های مربوط به نهادهای اداری و اجرایی کشورهای اروپایی قرار گرفته‌اند. بانک ملت نیز چنین سرنوشتی را در کشور بریتانیا داشت و پس از حدود چهار سال از طرح دعوای این بانک در مراحل مختلف بدوی تا فرجام‌خواهی در نظام قضایی این کشور، در نهایت حکم به ابطال دستورالعمل تحریمی مربوطه نسبت به بانک ملت صادر شد.^{۴۲} در حالی که پیش‌تر در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳، رأی مشابهی از سوی دیوان دادگستری

۴۱. این نحوه نگرش قاضی سنگاپوری نشان از وسعت نظر وی در نگاه به آخرین تحولات و اقدامات در خصوص موضوع دعوا دارد. در واقع، وی در نگرش به موضوع اختلاف یعنی اعمال تحریم‌ها بر ایران، نوعی بررسی تطبیقی داشته است، در حالی که چنین نگاهی در کمتر رأیی می‌تواند دیده شود. برای مشاهده موضع دیوان دادگستری اروپا در پرونده کادی، ن.ک: محبی و آذری؛ همان.

۴۲. این در حالی است که دبیر خزانه‌داری وزارت خزانه‌داری بریتانیا (Exchequer Secretary to the Treasury) در سخنرانی خود جهت تأیید گرفتن دستورالعمل اعمال محدودیت بر بانک ملت در بخش اعتباری و مالی بریتانیا از مجلس عوام (House of Commons)، در پاسخ به اظهارات یکی از نمایندگان مجلس مزبور که این دستورالعمل را نوعی تحریم (sanction) قلمداد نمود اعلام کرد که این سند صرفاً نوعی دستورالعمل جهت اعمال محدودیت اعتباری بر بانک ملت است. ن.ک:

Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent) (No. 2), para. 12.

این دیدگاه را نیز خود دیوان عالی بریتانیا مطرح می‌کند مبنی بر اینکه دستورالعمل وزارت خزانه‌داری نه در مقام ایجاد یک رژیم تحریم است بلکه صرفاً فرمانی است مبتنی بر پیشگیری و حالت جبرانی تا حالت مجازات و تریبی. برای مشاهده دیدگاه دیوان عالی، ن.ک:

Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent) (No. 2), para. 19.

در خصوص نقد این بخش در سطور بعدی بیشتر خواهد آمد.

اروپا در خصوص مشارکت ادعایی بانک ملت در برنامه هسته‌ای ایران صادر شده بود. زمانی که رأی مزبور از دیوان عالی بریتانیا صادر شد، وزیر خزانه‌داری امریکا مراتب انتقاد شدید خود را نسبت به رأی دیوان عالی ابراز و اعلام کرد که بانک ملت هیچ جایگاهی در نظام مالی و تأمین اعتبار بین‌المللی ندارد و به دلیل پشتیبانی از فعالیت‌های مربوط به برنامه موشک‌های بالستیک و هسته‌ای ایران، همچنان در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا قرار خواهد گرفت.^{۴۳} در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۳، دیوان عالی کشور بریتانیا در حکمی اعلام کرد که گزینش بانک ملت به‌عنوان موضوع تحریم توسط دستورالعمل وزارت خزانه‌داری^{۴۴} این کشور عملی خودسرانه و غیرمنطقی بوده است و جهت اثبات این که بانک ملت مزبور در تأمین مالی یا اعتباری برنامه هسته‌ای ایران مشارکت داشته، ادله کافی وجود ندارد.^{۴۵}

قانون مرتبط با این پرونده، قانون ضد تروریسم، مصوب ۲۶ نوامبر ۲۰۰۸ بریتانیا است.^{۴۶} بخش ۶۲ قانون مزبور ذیل عنوان «پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم»^{۴۷} اشعار می‌دارد مطابق جدول هفتم منضم به قانون اخیر، وزارت خزانه‌داری بریتانیا صلاحیت اقدام در خصوص پول‌شویی و تأمین مالی تروریست و برخی فعالیت‌های دیگر را دارا خواهد شد. جدول هفتم از قانون مزبور نیز به بحث تفصیلی مقرر ۶۲ می‌پردازد که بر آن اساس، وزارت خزانه‌داری اختیار دارد تا در صورت احراز یکی از سه شرط مندرج در این بخش، دستورالعملی را جهت مقابله با پدیده مزبور وضع کند. وزارت خزانه‌داری نیز بر اساس قسمت چهارم از بند اول این جدول که اشعار می‌دارد «خطر مهمی که برای منافع اساسی بریتانیا بر اثر تولید یا توسعه ساخت سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی، شیمیایی یا رادیولوژیکی وجود دارد یا چنین خطری به‌واسطه تسهیل یا توسعه چنین سلاح‌هایی در یک کشور بروز خواهد یافت»^{۴۸} در ۹ اکتبر ۲۰۰۹ اقدام به صدور دستورالعمل مزبور کرد که هدف آن، اتخاذ اقدامات محدودکننده علیه بانک ملت به‌عنوان شخص حقوقی فعال در بخش تأمین اعتباری

43. British Court Rules against Sanctions on Iranian Bank, New York Times, dated 19 June, 2013, http://www.nytimes.com/2013/06/20/world/europe/british-court-rules-against-sanctions-on-iranian-bank.html?_r=1&, Last visited on: 02/12/2018.

44. The Treasury

45. *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent)*, (No. 2). http://www.supremecourt.gov.uk/decided-cases/docs/UKSC_2011_0040_Judgment.pdf

46. Counter-Terrorism Act 2008, Available at: http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2008/28/pdfs/ukpga_20080028_en.pdf, Last visited on:

47. Schedule 7: Terrorist Financing and Money Laundering

48. یادداشتی که به همراه دستورالعمل اعمال محدودیت بر بانک ملت از سوی وزارت خزانه‌داری به پارلمان بریتانیا ارسال شد، مدعی همکاری بانک مزبور به شکل تأمین خدمات اعتباری و بانکی با موجودیت‌هایی شده که به نحوی در برنامه هسته‌ای

ایران مشارکت دارند. بند ۱۲ رأی دیوان عالی در پرونده مزبور، بخشی از این یادداشت را به‌طور مستقیم ذکر می‌کند:

“These restrictions are being imposed in respect of these entities because of their provision of services for Iran's ballistic missile and nuclear programmes. It is considered that a direction to cease business with these entities will contribute to addressing the risk to the UK national interests posed by Iran's proliferation activities.”

و بانکی برخی نهادهای ایرانی مرتبط با برنامه موشکی و هسته‌ای ایران به شکل «سندی قانونی»^{۴۹} بود.^{۵۰} بر این اساس، دسترسی بانک ملت به بازارهای اعتباری بریتانیا محدود شد،^{۵۱} به گونه‌ای که بر اساس برآورد بانک ملت در ۲۰۰۹ حدود ۲۵ میلیون دلار ضرر به این نهاد مالی وارد شد و در کنار ازدست‌رفتن امکان ارتباط با سایر بانک‌های مهم، از امکان دریافت حدود ۱۸۳ میلیون یورو به‌صورت سپرده نیز از طریق شعبه‌های مشترک این نهاد جلوگیری به عمل آمد.^{۵۲}

دیوان عالی بریتانیا اعلام کرد که در کنار قانون ضد تروریسم ۲۰۰۸ سند قانونی دیگری در مجلس این کشور تصویب شده است که اجازه محدود کردن اقدامات نهادهای مالی ایران، همراه با برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک را در بریتانیا می‌دهد. این قانون متعاقب صدور قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت و بر اساس «قانون ملل متحد، مصوب ۱۹۴۶ بریتانیا»^{۵۳} با عنوان تحریم‌های اعتباری ایران در ۲۰۰۷^{۵۴} به تصویب رسید که انسداد اموال موجودیت‌های مندرج در فهرست شماره ۱ قطعنامه‌های مزبور را مجاز می‌داند.^{۵۵} با این حال، همان‌گونه که دیوان عالی نیز در رأی خود بدان اشاره می‌کند، قانون مزبور ارتباط مستقیمی با دعوای حاضر ندارد.^{۵۶} هرچند که به نظر می‌رسد با به‌نتیجه‌رسیدن این دعوا به نفع بانک ملت، درج نام این بانک در قانون تحریم‌های مالی ایران نیز سرانجام مشابهی خواهد داشت، باید اشاره کرد که وزارت خزانه‌داری بریتانیا در تازه‌ترین به‌روزرسانی، فهرست منسجم تحریم‌های خود در ارتباط با ایران، نام بانک ملت را در کنار سایر نهادهای ملی مشابه مانند بانک ملی، صادرات و سپه و بر اساس دستورالعمل ۲۰۱۳ اتحادیه اروپا درج کرده است.^{۵۷}

49. Statutory instrument

50. *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent)* (No. 2), paras. 4-5, 12.

51. *Ibid.*, para. 1, 7.

به‌طور مشخص، این دستورالعمل از همه اشخاصی که در بخش اعتباری بریتانیا حضور دارند، می‌خواست که از ورود یا ادامه همکاری در هر معامله یا تجارتي با بانک ملت یا شعبه‌های آن و شرکت کشتی‌رانی ایران خودداری کنند. این دستورالعمل مطابق قانون ضد تروریسم در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۹ به پارلمان و در ۲ نوامبر ۲۰۰۹ به مجلس اعیان ارسال و تأیید شد و اعتبار آن یک‌ساله بود.

52. *Ibid.*, para. 9.

53. United Nations Act 1946, available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Geo6/9-10/45/contents>.

54. Iran (Financial Sanctions) Order 2007, available at: <http://www.legislation.gov.uk/uksi/2007/281/contents/made>.

۵۵. بر اساس این قانون که برخلاف برخی قوانین مشابه آمریکا در چارچوب سرزمینی بریتانیا قابلیت اجرایی دارد، وزارت خزانه‌داری صلاحیت قراردادن افراد و موجودیت‌های موردنظر خویش را در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارد و همچنین فهرست افراد و موجودیت‌هایی که در قطعنامه‌های شورای امنیت و کمیته تحریم ۱۷۳۷ ذکر شده از نظر این قانون، شخص مورد هدف تحریم‌ها است. برای مشاهده متن قانون، ن.ک:

http://www.legislation.gov.uk/uksi/2007/281/pdfs/uksi_20070281_en.pdf

56. *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent)* (No. 2), para. 3.

۵۷. در این فهرست تعداد ۴۸۹ شخص و موجودیت در ارتباط با انسداد اموال و دارایی‌ها درج شده‌اند. برای مشاهده این مطالب، ن.ک: تارنمای وزارت خزانه‌داری.

نکته جالب توجه این است که بانک ملت بر اساس بخش ۶۳ قانون ضد تروریسم، پیش‌تر در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹ در «دادگاه عالی انگلستان و ولز»^{۵۸} به طرح دعوا پرداخته بود و به دادخواست مزبور ذیل دو مبحث دلایل ماهوی و شکلی^{۵۹} رسیدگی شد. در مبحث شکلی موضوع این بود که وزارت خزانه‌داری امکان حضور و ارائه ادله و اطلاعات لازم را به بانک ملت در خصوص دستورالعمل مزبور فراهم نکرده بود. دیوان عالی اظهار می‌دارد که بانک ملت از چنین حقی در قوانین موضوعه بریتانیا برخوردار نبوده است اما بانک ملت در مقام خواهان به لزوم وجود چنین فرصتی در حقوق کامن‌لا و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰ و ماده ۱ پروتکل الحاقی آن استناد می‌کند.^{۶۰}

مبحث ماهوی نیز به این نکته مربوط می‌شود که تصمیم وزارت خزانه‌داری، غیرمنطقی، نامتناسب و تبعیض‌آمیز است و از طرفی، دلایل کافی مبنی بر امکان صدور این تصمیم وجود ندارد زیرا این دلایل اشتباهات مربوط به حقایق و ملاحظات غیرمرتبط با پرونده بوده و مخدوش است.^{۶۱} دادگاه عالی انگلستان در هر دو زمینه، استدلالات بانک ملت را در مقام خواهان رد می‌کند و در روندی مشابه «دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ولز»^{۶۲} به اتفاق آرا (سه قاضی) دلایل ماهوی و با اکثریت دو به یک، دلایل شکلی خواهان را نیز رد می‌کند.^{۶۳} در ادامه مباحث مطرح در رأی بررسی می‌شود.

نکته شگفت‌انگیزی که در روند رسیدگی آغازین در دادگاه عالی انگلستان و ولز اتفاق افتاد این بود که به دلیل حساس بودن مدارک ارائه‌شده از سوی وزارت خزانه‌داری مبنی بر محرمانه‌بودن منابع اطلاعاتی و داده‌های موجود، در این مرحله دو رأی علنی^{۶۴} و محرمانه^{۶۵} صادر شد که به ادعای قضات دیوان عالی بریتانیا تفاوت چندانی بین آن دو وجود نداشت.^{۶۶} اما نکته جالب این بود

Consolidated List of Financial Sanctions Targets in The UK, Last Updated:29/07/2013, available at: https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/206118/irannuclear.pdf

58. England & Wales High Court

59. Procedural and the Substantive Grounds

60. *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent)* (No. 2), para. 9.

61. *Ibid.*

62. England & Wales Court of Appeal

63. *Ibid.*

شایان ذکر است که در اکتبر ۲۰۰۹ دیوان عالی بریتانیا پس از تصویب قانون اصلاحات قانون اساسی در ۲۰۰۵ (Constitutional Reform Act) جایگزین کمیته استیناف مجلس اعیان شد. برای مشاهده قانون مزبور و همچنین نظام قضایی بریتانیا و جایگاه دیوان عالی این کشور، ن.ک: نمودار موجود در تارنمای دیوان عالی؛

Constitutional Reform Act 2005:

http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2005/4/pdfs/ukpga_20050004_en.pdf.

The Supreme Court and the United Kingdom's Legal System:

<http://www.supremecourt.gov.uk/docs/supreme-court-and-the-uks-legal-system.pdf>

64. Open judgment

65. Closed judgment

66. *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent)* (No. 2), para. 17.

که نماینده‌ای از وزارت خزانه‌داری، دلایلی دال بر مشارکت بانک ملت در برنامه هسته‌ای ایران اقامه می‌کند که جای تأمل دارد. بیانات وی که قضات دادگاه عالی انگلستان و ولز آن را تأیید کردند این‌گونه بود که به‌طور کلی «سیستم بانکی ایران خدمات مالی و اعتباری بسیاری انجام می‌دهد که این امر به نوبه خود می‌تواند خرید مواد خام و مورد نیاز برنامه‌های موشک‌های بالستیک و هسته‌ای ایران را پشتیبانی کند»^{۶۷} و از همین رو «بانک ملت به‌عنوان نهاد ملی معتبر بین‌المللی در مقامی است که بتواند با ارائه خدمات مالی و اعتباری به برنامه هسته‌ای ایران بخصوص در شکل اعتبارات تجاری یاری رساند».^{۶۸}

بانک ملت جهت استیناف از رأی دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ولز به‌عنوان آخرین مرجع قضایی بریتانیا به دیوان عالی این کشور مراجعه می‌کند.^{۶۹} در بخش زمینه‌ها و دلایل ماهوی بانک ملت، قاضی انشاکننده رأی معتقد است که اکنون خواهان پذیرفته است که پیش‌شرط‌های موجود در بند اول جدول شماره ۷ احراز شده و وزارت خزانه‌داری به این نتیجه رسیده که خطر مهمی منافع اساسی بریتانیا را به‌واسطه برنامه بالستیک و هسته‌ای ایران تهدید می‌کند.^{۷۰} به نظر می‌رسد که این بخش از ادعای دیوان عالی پذیرفتنی نباشد که «خواهان با مراجعه به مرجع دادخواهی تعیین‌شده در قانون ضد تروریسم به‌طور ضمنی پذیرفته است که وزارت خزانه‌داری با صدور دستورالعمل مزبور در خصوص اعمال محدودیت بر فعالیت‌های بانکی بانک ملت، چنین تهدیدی را علیه منافع بریتانیا تشخیص داده و خواهان نیز این موضوع را پذیرفته است».^{۷۱} حتی اگر چنین باشد به نظر می‌رسد که بانک ملت در مقام خواهان، مرتکب اشتباهی حقوقی شده و نمی‌بایست چنین امری را تأیید می‌کرد.

از طرفی دیگر، دیوان معتقد است که دستورالعمل خزانه‌داری از ویژگی پیش‌گیرانه برخوردار بوده است در حالی که قانون تحریم‌های مالی ایران، مصوب ۲۰۰۷ موجد رژیم تحریمی علیه ایران است زیرا دارای خصوصیت تنبیهی و ترهیبی است. دیوان عالی معتقد است که هدف از

67. *Ibid.*, para. 16.

68. *Ibid.*

69. تارنمای دیوان عالی بریتانیا این نهاد را مرجع نهایی فرجام‌خواهی و استیناف از پرونده‌های مدنی و کیفری در انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی قلمداد می‌کند. همچنین این نهاد به مهم‌ترین مسائل مربوط به حقوق عمومی و اساسی نیز توجه دارد که بر عموم مردم اثرگذار است و خود را به‌عنوان رهبر قضایی در جهان حقوقی کامن‌لا معرفی می‌نماید. برای مشاهده کامل صلاحیت‌های دیوان عالی بریتانیا، ن.ک:

Role of the Supreme Court, available at: <http://www.supremecourt.gov.uk/about/role-of-the-supreme-court.html>

70. *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury (Respondent)* (No. 2), para. 19.

به نظر می‌رسد که در این بخش از رأی دیوان عالی بریتانیا اشتباهی در نگارش بخش اول از جدول شماره ۷ قانون ضد تروریسم ۲۰۰۸ به وجود آمده باشد در حالی که متن رأی به بخش اول از جدول شماره ۱ قانون مزبور اشاره دارد که ارتباطی به بحث احراز شرایط تهدید علیه منافع امنیتی بریتانیا توسط وزارت خزانه‌داری در آن مشاهده نمی‌شود.

71. *Ibid.*, para. 20.

صدور چنین دستورالعملی اعمال محدودیت بر قابلیت دسترسی جهت خدمات مالی و اعتباری است که در عمل به پیدایش خطر مربوط به مبنای صدور آن کمک شایانی می‌کند. با این حال، به نظر می‌رسد که نظر دیوان عالی و دبیر خزانه‌داری بریتانیا که در آغاز به آن اشاره شد، در این باره صائب به نظر نمی‌رسد زیرا اعمال محدودیت علیه بانک ملت به‌عنوان موجودیتی که مرتبط با فعالیت‌های ایران دانسته شده و در ایران به ثبت رسیده است و محل امور مهم تجاری آن نیز ایران است، نوعی تحریم به شمار می‌آید و توصیف ویژگی پیش‌گیرانه یا جبرانی، ماهیت تحریمی دستورالعمل خزانه‌داری را تغییر نمی‌دهد.

در هر صورت، تحریم اقدامی است که در جهت ایجاد محدودیت بر توانایی یا آزادی عمل موجودیت هدف به کار گرفته می‌شود و مقصود از آن همراه کردن موجودیت هدف به در پیش گرفتن رفتاری خاص یا تنبیه موجودیت هدف برای اقدامی است که از نظر تحریم‌کننده یا تحریم‌کنندگان با ادعای نقض قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل، عملی غیرقابل قبول تلقی می‌شود. حتی این اقدام می‌تواند به منظور پیشگیری از نقض تعهد نیز صورت پذیرد. برخی نیز تحریم تجاری را عملی تبعیض‌آمیز از سوی دولت یا موجودیت اعمال‌کننده تحریم قلمداد می‌کنند که در پی واکنش به عملی اعتراض‌آمیز یا غیرقانونی اتخاذ می‌شود و هدف از آن مجبور کردن موجودیت هدف به در پیش گرفتن رفتاری جهت جبران خسارت یا ممانعت و جلوگیری از انجام فعل یا ترک فعلی مشخص است.^{۷۲} به تعبیری، هدف تحریم‌های اقتصادی از این دست، اعمال محدودیت تجاری یا مالی خارجی یا ممانعت از کسب منافع اقتصادی است که عاید موجودیت هدف تحریم خواهد شد.^{۷۳}

دیوان در ادامه اشاره می‌کند که بند ششم از بخش ۱۹ جدول شماره ۷ نوعی رابطه کارکردی را میان عملی که مستند صدور دستورالعمل قرار گرفته و خطر تهدیدکننده منافع اساسی بریتانیا مدنظر قرار می‌دهد. بانک ملت در این میان معتقد است که در ایجاد اختلال در فعالیت‌های تجاری این بانک در بازارهای مالی بریتانیا باید رابطه میان «منطقی بودن»^{۷۴} و «تناسب»^{۷۵} و هدف قانونی

72. Hans G. Kausch, "Embargo", in: *EPIL*, Vol. 8, Elsevier Science Publishers, 1985, pp. 169-174; Jeremy Matam Farrall, *United Nations Sanctions and the Rule of Law*, Cambridge University Press, 2007, pp. 6-7.

۷۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت و زمینه تحریم‌های اقتصادی، ن.ک:

Kern Alexander, *Economic Sanctions: Law and Public Policy*, Palgrave Macmillan, 2009, pp. 10-20.

یکی از حقوق‌دانان صاحب‌نظر در عرصه تحریم‌های بین‌المللی ضمن تفکیک تحریم‌ها به مثبت و منفی، معتقد است که حد مشترک تعریف و محدوده تحریم‌های منفی بین‌المللی در سه وجه قابل مشاهده است: نخست، یکی از پیامدهای حقوقی نقض تعهد بین‌المللی است؛ دوم اینکه موجب نقض حقوق طرفی می‌شود که هدف تحریم‌ها قرار گرفته است و سوم اقداماتی هستند که منجر به معافیت دولت تحریم‌کننده از اجرای تعهدی حقوقی می‌شود. وی معتقد است ورای این سه ویژگی مشترک، اختلافاتی میان دکنترین حقوقی در خصوص ویژگی‌ها و قلمرو تحریم در حقوق بین‌الملل وجود دارد. ن.ک:

Vera Gowlland-Debbas, *The Security Council and Issues of Responsibility under International Law*, Recueil des cours, 2012, p. 226.

74. Rationality

75. Proportionality

از ایجاد مانع در برنامه هسته‌ای ایران وجود داشته باشد.^{۷۶} در این باره دیوان عالی بر این عقیده بود که به‌نوعی هم‌پوشانی میان منطقی‌بودن اقدام و تناسب وجود دارد که بر اساس تحلیل دقیق حقایق پرونده می‌توان در چهار پرسش به آن‌ها پرداخت. نخست اینکه آیا هدف اقدام از چنان اهمیتی برخوردار بوده که منجر به محدودیت در حقی بنیادین شود؟ دوم اینکه آیا به لحاظ منطقی، مرتبط با هدف اقدام اتخاذی بوده است؟ سوم اینکه آیا امکان اتخاذ اقدامی با درجه شدت کمتر وجود داشت یا خیر؟ و چهارم، با توجه به شدت پیامدهای آن، آیا امکان ایجاد توازنی منصفانه میان حقوق افراد و منافع جامعه وجود دارد؟^{۷۷}

در ادامه رأی، دیدگاه برخی قضات دادگاه عالی انگلستان و ولز و دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ولز مبنی بر اینکه اقداماتی از قبیل صدور دستورالعمل خزانه‌داری در بحث عدم اشاعه هسته‌ای، موضوعی است که منفعت جامعه را در بر دارد و باید اقدامی متناسب با آن و به شکلی احتیاطی اتخاذ شود و از طرفی، سیاست حکومتی و قانونگذاری، قابلیت تبدیل به روندی قضایی ندارد تأیید شد. با این حال دیوان عالی استدلال بانک ملت را می‌پذیرد که معتقد است چرا از میان بانک‌های در حال فعالیت ایرانی در بریتانیا باید بانک ملت گزینش شود و از طرفی، توجیهی که خزانه‌داری برای گرفتن تأیید پارلمان ارائه کرده بود با ادله‌ای که در این دادگاه برای توجیه صدور دستورالعمل ارائه کرده یکسان نبوده و حتی در برخی جنبه‌ها نیز متعارض است.^{۷۸}

در این خصوص به اظهارات نماینده خزانه‌داری در مجلس عوام این کشور اشاره می‌شود که بانک ملت را نهادی آگاه برای تأمین مالی و اعتباری مؤسسات مندرج در فهرست تحریم‌های شورای امنیت عنوان می‌کند در حالی که در اظهارات صورت‌گرفته نزد دیوان عالی این کشور، بانک ملت به‌عنوان نهاد مالی که به‌صورت ناخواسته و ناآگاه در جهت تأمین مالی و اعتباری گام برمی‌داشته معرفی می‌شود.^{۷۹}

دادگاه‌های عالی و تجدیدنظر انگلستان و ولز نیز مشکل را نه در بانک ملت بلکه در سیستم بانکی ایران می‌دانند که امکان تأمین مالی و اعتباری را برای برنامه‌های هسته‌ای ایران به همراه دارد و این نکته‌ای است که دیوان عالی بریتانیا بر آن تأکید کرده و بر آن اشکال وارد می‌کند که چرا بر اساس این طرز نگرش، از مجموع بانک‌های ایرانی صرفاً بانک ملت مورد توجه دستورالعمل خزانه‌داری قرار گرفته و اگر نظام بانکی ایران دچار اشکالاتی است که ذکر شد، در عمل، راه برای تأمین مالی و اعتباری برنامه‌های هسته‌ای ایران از طریق سایر بانک‌های فعال این کشور در بریتانیا

76. *Ibid.*

77. *Ibid.*, para. 20.

78. *Ibid.*, para. 22.

79. *Ibid.*, para. 23.

باز است.^{۸۰} این نکته دیوان عالی نیز شایان توجه است که به‌نوعی، مسیر و راهبرد پیش روی اقدام احتمالی تحریمی علیه نهادهای مالی ایرانی را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد به‌طور خواسته یا ناخواسته موضعی را اتخاذ کرده که فراتر از خواسته طرفین دعوا است و به‌نوعی ایراد قانونی وزارت خزانه‌داری را متذکر می‌شود تا در آینده چنین اشتباهاتی را مرتکب نشود.

ملاکی که دیوان عالی مدنظر دارد این است که اقدام اتخاذی باید برای خطری واقعی باشد، ولی اگر به‌واسطه اعمال تبعیض‌آمیز آن از مقیاس منطقی بودن و تناسب خارج شد، دیگر نمی‌تواند توجیهی برای هدف موردنظر اقدام مزبور قلمداد شود. دیوان در ادامه اعلام می‌کند این موضوع که دستگاه اجرایی بریتانیا بر اساس میزانی از اعطای صلاحیت بر اساس نص قانونی موجود قادر به اتخاذ تصمیماتی در خصوص ممانعت از ایجاد هرگونه تهدید امنیت ملی یا اساسی بریتانیا باشد، در موارد دیگری نیز مورد توجه بوده از جمله در پرونده *A v Secretary of State for the Home Department* که در آن مجلس اعیان انگلستان اعلام کرد که اقدامات دولت بریتانیا برای مقابله با تروریسم و رفتار تبعیض‌آمیز با اتباع غیربریتانیایی در قالب بازداشت و دستگیری قابل توجیه نیست و این تبعیض به مخدوش شدن اصل تناسب نیز می‌انجامد. دیوان اذعان داشت که هر پرونده‌ای وقایع خاص خود را دارد و با اینکه در پرونده ذکرشده، حق بر آزادی افراد موردنظر بوده و با «حق بهره‌مندی صلح‌آمیز از دارایی‌های تجاری»^{۸۱} (مندرج در ماده ۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) متفاوت است، این امر، تفاوت بنیادینی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند.^{۸۲}

بنابراین اکثریت قضات دیوان عالی بر این نظر هستند که انتخاب بانک ملت به شکلی غیرمنطقی و خودسرانه بوده است و از این رو اقدام خزانه‌داری نیز غیرمتناسب با این انتخاب است. نکته مهم دیگری که دیوان به آن اشاره کرد این بود که تبعیض‌آمیز بودن دستورالعمل بانک ملت موجب کاهش تأثیرگذاری این اقدام به‌عنوان مانعی در راه برنامه تسلیحاتی ایران می‌شود، چرا که تأمین مالی و اعتباری برنامه‌های ایران از طریق سایر نهادهای مالی مشابه بانک ملت صورت می‌گیرد. در پایان، دیوان عالی به این نتیجه می‌رسد که دستورالعمل خزانه‌داری در نیل به مقصود خویش، نامتناسب و غیرمنطقی بوده و در نتیجه، غیرقانونی است.^{۸۳}

۳. تحلیل رأی دیوان عالی بریتانیا

رأی پرونده بانک ملت در دیوان عالی بریتانیا نکات چندی را در خصوص مسائل گوناگون مطرح می‌کند. نخست اینکه دیوان عالی بریتانیا به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی این کشور با نقض رأی

80. *Ibid.*, para. 24.

81. The right to the peaceful enjoyment of business assets

82. *Ibid.*, paras. 25-26.

83. *Ibid.*, para. 27.

دادگاه عالی و دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ولز نشان داد که به‌طور کلی توجه به ملاک‌های قانونی موجود (در اینجا حقوق کامن لا و حقوق موضوعه کشور بریتانیا) می‌تواند راهگشای معضلاتی از قبیل تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی به شکل رفع تحریم و در صورت اقامه صحیح خواسته، جبران‌کننده ضرر و زیان‌های ناشی از اعمال تحریم باشد. به عبارت دیگر، توجه به فرایند قضایی می‌تواند نخستین و بهترین گزینه موجود برای اشخاص مندرج در فهرست تحریم دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باشد. تجربه موفق بیشتر بانک‌های ایرانی در پیشگاه دیوان دادگستری اروپا همچون بانک صادرات،^{۸۴} سینا^{۸۵} و بانک ملت^{۸۶} نیز می‌تواند گواهی بر اتخاذ درست راهبرد مقابله با تحریم‌ها در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. گردن‌نهادن بر حاکمیت قانون و لوازم آن می‌تواند بهترین نتایج و مطلوبات موردنظر خواهان‌های ایرانی را در طرح دعوی مربوط به ارمغان آورد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که گزینه اقامه دعوا علیه نهاد یا دولت تحریم‌کننده در دستور کار احتمالی اشخاص ایرانی متأثر از تحریم‌ها قرار بگیرد. توجه به قدر مشترک آرای دیوان دادگستری اروپا می‌تواند اندوخته قابل‌توجهی برای نهادهای دیگر ایرانی در مسیر دادخواهی و جبران خسارت باشد.^{۸۷} این نکته در مورد محاکم داخلی دولت‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا در این مسیر می‌باید اصول و قواعد و حتی سنت‌های حقوقی کشور موردنظر همانند بریتانیا مورد توجه قرار گیرد تا بیشترین موفقیت در طرح دعوی حقوقی عاید خواهان‌های ایرانی شود.

نکته دوم این است که دیوان عالی بریتانیا با ارائه برخی تحلیل‌های به‌جا یا نابه‌جای حقوقی، رهنمودهایی را برای اتخاذ هرچه بهتر راهبرد حقوقی نهادهای متولی صدور احکام و قرارهای تحریمی در چارچوب نظم حقوقی بریتانیا مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد فراتر از اصلی است که بر اساس آن دادگاه نباید بیشتر از آنچه خواسته شده است اعلام نظر کند.^{۸۸} این موضوع از آن قسمت رأی دیوان عالی برمی‌آید که در تأیید دیدگاه دادگاه عالی و دادگاه تجدیدنظر انگلستان و

84. *Bank Saderat Iran v Council of the European Union, v European Commission* [2013] EUECJ T-494/10 (5 February, 2013).

85. *Bank Sina v Council of the European Union, v European Commission* [2012] EUECJ T-15/11 (11 December, 2012).

86. *Bank Mellat v Council of the European Union, v European Commission* [2013] EUECJ T-496/10 (29 January, 2013).

۸۷. تا کنون آرای متعددی (بیش از ۳۵ پرونده) در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با اتخاذ اقدامات محدودکننده علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب دیوان دادگستری اروپا طرح و به نتیجه ختم شده‌اند. ن.ک: تارنمای مؤسسه حقوق بین‌الملل پارس: www.internationallaw.ir

۸۸. به نظر می‌رسد که منع اظهارنظر بیش از خواسته طرفین دعوا (*non ultra petita*) اصلی کلی است که مورد قبول رژیم‌های حقوقی جهان باشد. اصلی که در رأی موسوم به «پناهندگی» از آغاز مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته بود: «دیوان نه تنها وظیفه دارد که به مسائل مندرج در لوائح اطراف دعوا پاسخ بگوید، بلکه باید از تصمیم در قبال نکاتی که در لوائح طرفین نیامده، خودداری ورزد». ن.ک:

Asylum Case (Colombia v. Peru), I.C.J Reports 1950, p. 402.

ولز، نظام بانکی ایران را بستری مناسب برای تأمین مالی و اعتباری مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارزیابی می‌کند و قاضی انشاکنده رأی در فرازی از رأی به این نکته توجه می‌کند که تبعیض انجام‌گرفته میان بانک ملت با سایر بانک‌های ایرانی که می‌توانند فراهم‌کننده نیازهای مالی و اعتباری فعالیت‌های هسته‌ای ایران باشند، غیرمتناسب و غیرمنطقی است. این نکته در عین درست بودن بر اساس معیارهای حقوقی بریتانیا، دیدگاه دیگری را به خزانه‌داری این کشور جهت اتخاذ رویکردی متناسب در اعمال تحریم به دست می‌دهد.

نکته سوم، توجه به رویکرد رویه‌قضایی بریتانیا در رسیدگی به پرونده حاضر است. در حالی که ممکن است رویکرد قضایی محاکم سایر کشورها از جمله هلند (به‌عنوان مثال در پرونده برخی دانشگاهیان ایرانی در این کشور)، نگاه گسترده‌تر و دقیق‌تری به رویه‌قضایی بین‌المللی و حتی سایر محاکم داخلی باشد، محاکم بریتانیا در رویکردی خودبسنده که در ظاهر برخاسته از دیدگاه محاکم این کشور نسبت به جایگاه بالاتر حقوق بریتانیا در قیاس با سایر کشورها و حتی رویه‌قضایی بین‌المللی است، صرفاً به رویه‌قضایی خویش توجه کرده‌اند. شاهد این مدعا عدم توجه کافی دیوان عالی بریتانیا به رویه‌قضایی بانک ملت به‌عنوان خواهان در دیوان دادگستری اروپا است که حدود پنج ماه پیش از این در دیوان مزبور صادر شده بود و با اینکه بر اساس اصل برتری حقوق اتحادیه بر حقوق دولت‌های عضو^{۸۹} از جمله آرای دیوان دادگستری اروپا به‌عنوان رکن اصلی قضایی و عامل یکپارچگی حقوقی نظام حقوقی اتحادیه اروپا اولویت و رجحان دارد، دیوان عالی بریتانیا خود را بی‌نیاز از یافته‌های دیوان دادگستری اروپا دانست؛ به‌ویژه اینکه خواسته‌های بانک ملت در پیشگاه دیوان دادگستری اروپا از موارد مشابهی با خواسته‌های این بانک (همچون درخواست ابطال بر اثر عدم رعایت اصول شکلی چون عدم اطلاع پیشینی در خصوص تصویب دستورالعمل تحریمی و ارزیابی اشتباه در خصوص وقایع پرونده از جمله همکاری مستقیم یا غیرمستقیم بانک ملت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران)^{۹۰} در دیوان عالی بریتانیا برخوردار بود. این موضوعی است که تیم‌های حقوقی خواهان‌های ایرانی باید به آن توجه کنند و اقامه دعوا در محضر محاکم ملی دولت‌های تحریم‌کننده با شناخت کافی و بسنده از رژیم و سنت‌های حقوقی حاکم بر این کشورها باشد. اولویت‌داشتن یا میزان توجه به حقوق بین‌الملل در مقابل حقوق داخلی در این خصوص با مراجعه به اسناد بنیادینی چون قانون اساسی کشورهای ذی‌ربط باید مدنظر قرار گیرد؛ ضمن اینکه مشاوره یا وکالت دعاوی مطروحه نباید لزوماً در اختیار کامل وکلای غیرایرانی قرار گیرد. هرچند آشنایی بیشتر و بهتر وکلای ساکن

۸۹. این اصل (Supremacy Principle) به‌واقع برخاسته از رویه‌قضایی خود دیوان دادگستری اروپا است. این اصل بدان معناست که حقوق داخلی دولت‌های عضو اتحادیه که در تعارض با مقررات اتحادیه اروپا قرار دارند باید در محاکم داخلی این کشور اعمال نشده و اولویت با مصوبات اتحادیه اروپا باشد. ن.ک:

Case 6/64, *Falminio Costa v. ENEL* [1964] ECR pp. 585, 593; *Frontini v. Ministero delle Finanze* [1974] 2 CMLR p. 372; C-213/89 *Factortame I* [1990] ECR I-2433.

90. *Bank Mellat v Council of the European Union, op.cit.*, paras. 28, 50.

یا تبعه در کشور یا منطقه تحریم‌کننده، امری قابل توجه است، توجه به استفاده از وکلا و کارشناسان ایرانی نیز می‌تواند برای خواهان‌های ایرانی مطلوبیت بیشتری داشته باشد.

نکته چهارم در خصوص آیین محرمانه بررسی ادله در نظام قضایی بریتانیا است که دیوان عالی آن را در مورد برخی از پرونده‌ها که اقتضای امنیت ملی و منافع اساسی بریتانیا ایجاد کند مدنظر قرار داده است و به شکلی غیرعلنی به نحوی که طرف دیگر دعوا از مفاد ادله ابرازی به دادگاه مطلع نشود، جلسه یا جلساتی برگزار می‌شود و بر مبنای همین غیرعلنی و محرمانه‌بودن، رأی به شکل محرمانه صادر می‌شود. این امر به نظر نقض غرض است. همان‌گونه که خود دیوان عالی بریتانیا نیز بدین نکته اذعان دارد که این امر با مقتضات دادرسی عادلانه در تعارض است، مسئله امنیت ملی و منافع اساسی بریتانیا را در چنان درجه‌ای از اهمیت تلقی می‌کند که در صورت لزوم، برخی جلسات و آرا را مخفیانه برگزار و صادر می‌کند.

در پرونده‌های متعدد مطرح‌شده در دیوان دادگستری اروپا در خصوص پرونده‌های تحریمی خواهان‌های ایران چنین رویه‌ای سابقه ندارد. در جریان این دادرسی‌ها گاه خواندگان که عمدتاً شورا و کمیسیون اتحادیه اروپا بودند، بارها به بحث امنیتی یا حساس بودن برخی ادله اثباتی یا طرق دسترسی به اطلاعات مزبور اشاره کرده‌اند که این دست دلایل را دیوان دادگستری اروپا نپذیرفته است. به نظر می‌رسد که از یک جهت، پرونده بانک ملت که نخستین نمونه استفاده از آیین محرمانه بررسی ادله در دیوان عالی بریتانیا نیز محسوب می‌شود، به‌رغم تعارض آشکار با اقتضای عدالت طبیعی و لوازم دادرسی منصفانه و عادلانه در رژیم حقوقی کامن‌لا قابل قبول باشد چرا که در غیر این صورت، دیوان عالی به دلیل سیاسی بودن پرونده و عدم اختیار درباره بررسی ادله مربوطه خوانده در خصوص تحریم خواهان، ممکن بود با استناد به مسائلی چون دکتترین عمل دولت یا توجیه مقررات مربوطه به نحوی تفسیر شود که در نهایت به پرونده مزبور رسیدگی نکنند. اما در عین حال، دیوان عالی سعی کرده که میان حق دادخواهی خواهان و حفظ اطلاعات مربوط به امنیت کشور و منافع اساسی آن نوعی توازن ایجاد کند که خواسته هر دو طرف را تأمین کرده باشد.

۴. رأی دادگاه بدوی لاهه در موضوع دانشجویان ایرانی: منع تبعیض بر اساس تابعیت در اعمال تحریم^{۹۱}

در ۳ فوریه ۲۰۱۰ دادگاه بدوی لاهه در خصوص شکایت سه ایرانی شاغل به تحصیل و تدریس در

۹۱. نویسندگان مقاله حاضر پیش‌تر در مقاله‌ای مجزا و با تفصیل بیشتر به این پرونده از منظر حاشیه صلاح‌دید دولت‌ها در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت پرداخته‌اند. ن.ک: سیامک کرمزاده و عبدالله عابدینی؛ «حاشیه صلاح‌دید در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت: بررسی موردی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸.

کشور هلند علیه وزارت امور خارجه و وزارت آموزش، فرهنگ و علوم این کشور،^{۹۲} رأی خود را صادر کرد.^{۹۳} خواهان‌ها مدعی بودند که حق بر ممنوعیت تبعیض، در قبال آن‌ها نقض شده است. در این خصوص آن‌ها از جمله به ماده نخست قانون اساسی کشور هلند، ماده نخست پروتکل دوازدهم الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر اروپا، ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۲ معاهده مؤسس جامعه اروپا استناد کردند؛ ضمن اینکه خواهان‌ها بر این عقیده بودند که مصوبه ۲۳ ژوئن ۲۰۰۷ در مورد دستورالعمل تحریم ایران نیز ناقض حق بر ممنوعیت تبعیض مندرج در ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق بشر اروپا و حق بر آموزش مندرج در ماده ۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون مزبور است.

علاوه بر این، خواهان‌ها به نقض اصل عدم تناسب نیز استناد می‌کردند؛ با این توضیح که مصوبه دستورالعمل تحریمی ایران از آنچه در بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت و موضع مشترک، مصوب ۲۰۰۷ شورای اتحادیه اروپا لازم دانسته شده، فراتر رفته است و برای نیل به اهداف این دو سند، امری غیر ضروری قلمداد می‌شود. بر اساس دستورالعمل تحریمی ایران، مصوب ۲۰۰۷ و اصلاحی ۲۳ ژوئن ۲۰۰۸، وزارت آموزش، فرهنگ و علوم هلند باید مانع از دسترسی افراد ایرانی به منابع اطلاعاتی و مکان‌های حساس امنیتی شود که می‌تواند ارتباطی با فعالیت‌های هسته‌ای ایران داشته باشد.^{۹۴} از جمله این مکان‌ها می‌توان به راکتور تحقیقاتی هسته‌ای گروه مشاوره و تحقیقات هسته‌ای در پتن، همچنین اورنکو و سه محل دیگر اشاره داشت. همچنین دانشجویان ایرانی از رشته‌هایی نظیر علوم هسته‌ای^{۹۵} و برخی از انواع فناوری‌های مربوط به راکت‌ها

92. *A and ors v Netherlands* (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture, and Science), First instance judgment, LJN: BL1862/334949; ILDC 1463 (NL 2010) 3 February 2010, Oxford Reports on International Law in Domestic Courts, available at: <http://opil.ouplaw.com/home/ORIL>, Last visited on: 14/12/2018.

93. نکته شایان ذکر اینکه خواهان‌ها دارای تابعیت مضاعف هلندی و به ترتیب متشکل از این افراد بودند: نفر اول دانشجوی، نفر دوم، نامزد دریافت درجه دکتری و نفر سوم، استادی که در زمینه تحقیقات حساس امنیتی مشغول به فعالیت بود. اسامی خواهان‌ها عبارت است از: ناصر کلانتر، استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه گرونینخن، بهنام تائبی دانشجوی دکتری فلسفه علم در دانشگاه تکنولوژی دلفت و کاوه بیطرف، دانشجوی کارشناسی شیمی دانشگاه دلفت. شایان ذکر است که خواهان چهارمی به نام گروه اقدام دانشجویان ایرانی نیز در این دعوا حضور داشت که دادگاه بدوی این نهاد را صالح به حضور در دادگاه ندانست. در این خصوص، ن.ک:

<http://news.sciencemag.org/2010/02/court-rebukes-dutch-policy-iranian-scientists>

شایان ذکر است که ناصر کلانتر در خصوص این مصوبه دولت هلند معتقد است که مصوبه مزبور موجب کم‌ارزش شدن علم شده است و دسترسی به مکان‌های مورد نظر دولت که مکان‌هایی با اطلاعات محرمانه تلقی می‌شوند، نه تنها برای ایرانیان که باید برای هر کس جهت ورود به آن محدودیت‌های بسیاری در نظر گرفته شود. ضمن اینکه وی معتقد است اطلاعات پیچیده فناوری هسته‌ای موضوعی نیست که بتوان از آن عکس‌برداری کرد. در این باره، ن.ک:

http://vorige.nrc.nl/international/article2475111.ece/Boycott_banning_Iranians_from_Dutch_nuclear_site_s_overturned.

94. *A and ors v. Netherlands* (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture, and Science), First instance judgment, A3.

95. Available at: <http://news.sciencemag.org/2010/02/court-rebukes-dutch-policy-iranian-scientists>, Last visited on: 19/01/2019.

محروم شدند.^{۹۶}

در این زمینه، آکادمی هنر و علوم پادشاهی هلند در یادداشتی پس از اصلاحیه ۲۰۰۸ دستورالعمل تحریمی در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹ خطاب به وزیر آموزش، فرهنگ و علوم هلند اعلام کرد که نسبت به تبعیض ناروایی که در قبال دانشجویان ایرانی صورت گرفته اعتراض دارد. ریاست آکادمی مزبور در ادامه، اعتراض خود را به‌طور مشخص به تفسیر مضیق دولت هلند از واژه «مراقبت کردن» مندرج در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت اعلام می‌کند و معتقد است که دستورالعمل دولت در این خصوص مغایر با گردش آزاد و بین‌المللی علوم است. نکته مهم دیگری که در این یادداشت بیان شده این است که آکادمی مزبور استثناکردن کلی دانشجویان ایرانی از برخی زمینه‌های تحقیقی و آموزشی را غیرقابل دفاع تلقی می‌کند؛ ضمن اینکه در ادامه گفته شده است مسئولیت اجرای دستورالعمل بر عهده دانشگاه‌ها نیست و به‌طور کلی دانشگاه‌ها برای این منظور مسئول اجرای مقرر مزبور نیستند.^{۹۷}

در مقابل نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و آموزش، فرهنگ و علوم هلند مدعی بودند که بحث تبعیض بر مبنای ملیت، تعهدی است که از قطعنامه ۱۷۳۷ و موضع مشترک شورای اتحادیه اروپا برمی‌آید. دادگاه بدوی در میان استنادات موردنظر خواهان‌ها تصمیم گرفت که خود را به تعهدات بین‌المللی دولت هلند محدود کند^{۹۸} تا از این طریق بهتر بتواند تصویری از تقابل تعهدات کشورش و تعهدات ناشی از منشور ملل متحد به‌واسطه قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت داشته باشد. دادگاه پس از استماع دفاعیات طرفین معتقد است که ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تمام رفتارهای نابرابر در موارد مشابه را ممنوع نکرده است و هنگامی می‌توان چنین رفتاری را تبعیض‌آمیز قلمداد کرد که فاقد توجیهی معقول و عینی باشد. دادگاه در ادامه خاطر نشان می‌کند که این موضوع، خود منجر به طرح این پرسش می‌شود آیا این تفاوت در رفتار، هدف مشروعی را برآورده می‌کند و برای رسیدن به چنین هدفی، متناسب و مقتضی است؟^{۹۹}

دادگاه معتقد است زمانی که دولت هلند تعهد معاهده‌ای را مبنی بر انجام تفکیک در موردی بر عهده دارد آیا تعهدی دیگری در برابر آن وجود دارد که جمع آن دو را دشوار کند. دادگاه بر این

۹۶. طبق این اصلاحیه، دانشجویان ایرانی یا هلندی‌های ایرانی‌تبار برای ورود به دوره‌های عالی نه رشته از جمله گرایش سوخت موشک در شیمی نیاز به اجازه مخصوص دارند. یکی از اهداف دولت هلند در تصویب این اصلاحیه، تنبیه دولت ایران در خصوص عدم اجازه جهت دسترسی به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از تأسیسات اتمی ایران اعلام شده است. ن.ک: http://vorige.nrc.nl/international/article2475111.ece/Boycott_banning_Iranians_from_Dutch_nuclear_site_s_overturned.

۹۷. برای دسترسی به متن نامه مزبور، ن.ک: تارنمای دانشجویان ایرانی در هلند:

http://www.iraanestudenten.nl/docs/KNAW_letter_Iranian_students.pdf.

۹۸. Stephan Hollenberg, Reporter and Analysis of the Judgment *A and ors v. Netherlands* (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture, and Science), First Instance Judgment, p. 3, A1.

۹۹. *A and ors v. Netherlands*, para. 4.4.

باور است که وجود تعهدی برای هلند مبنی بر انجام این تفکیک مانع از آن نمی‌شود که دادگاه‌های هلند نتوانند به سایر تعهدات معاهده‌ای هلند مبنی بر وجود حقی برای شهروندان هلندی در عدم انجام این تفکیک مراجعه نکنند. دادگاه در ادامه اظهار می‌دارد که این مورد متفاوت با موردی است که در آن مقرراتی معاهده‌ای (در اینجا ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در خصوص مقررات قطعنامه‌های ذیل فصل هفتم منشور) بر مبنای رابطه‌ای سلسله‌مراتبی بر مقررات دیگر معاهده‌ای اولویت دارند. نکته دادگاه بدوی در این بخش بسیار قابل توجه است. دادگاه معتقد است که اگر قطعنامه شورای امنیت اکیداً مقرر می‌کرد که می‌بایست دستورالعمل تحریمی، مصوب ۲۰۰۷ خود را اصلاح کند که این کار را نیز انجام داده است، استدلال خوانندگان مبنی بر تجویز شورای امنیت در قبال ممنوعیت تحصیل پذیرفته می‌شد، در حالی که چنین دستوری به دولت هلند در خصوص اصلاح دستورالعمل مزبور ذیل قطعنامه ۱۷۳۷ داده نشده است و قطعنامه مزبور، دست دولت‌ها را در خصوص اجرای محدودیت آموزشی در مورد اتباع ایرانی تا حدی باز گذارده است.^{۱۰۰}

از نظر دادگاه، این قطعنامه، دولت‌ها را ملزم به انجام تفکیک بر اساس ملیت نمی‌کند که غیرضروری و غیرقابل توجیه باشد. بر همین اساس، این اصلاحیه باید بر اساس حقوق بنیادین ارزیابی و بازبینی بشود. بنابراین معیار توجیه عینی و معقول باید در این باره به نحو محدودنشده‌ای اعمال شود.^{۱۰۱}

دادگاه معتقد است که موضع مشترک شورای اتحادیه اروپا نیز در ماده ۶ اجرایی خود، دست دولت‌ها را در اعمال محدودیت آموزشی باز گذاشته و نوعی صلاحدید را در این خصوص به آن‌ها اعطا کرده است.^{۱۰۲} دادگاه معتقد است که اصلاحیه دستورالعمل تحریمی هلند، اشخاص خاصی را موردنظر دارد که تفکیک صورت گرفته در این باره بر مبنای تابعیت ایرانی اشخاص مزبور است و

۱۰۰. در نقد این رأی گفته شده که دیدگاه دادگاه درست بوده و از آنجا که قطعنامه ۱۷۳۷ نوعی صلاحدید را در راستای قطعنامه در اختیار دولت‌ها قرار داده، دولت هلند باید به نحوی به اجرای محدودیت آموزشی بر اتباع ایرانی بپردازد که ناقض حقوق بنیادین آن‌ها نباشد.

Hollenberg, *op.cit.*, p. 3, A3.

در این خصوص می‌توان به آورده دیوان دادگستری اروپا در پرونده معروف کادی اشاره داشت که طی آن اظهار داشت دیوان به مقرر اتحادیه اروپا در خصوص درج نام آقای کادی و مؤسسه البرکات می‌پردازد و نه قطعنامه ذی‌ربط شورای امنیت. بنابراین می‌توان دیدگاه مشابهی را در نوع نگرش دیوان دادگستری اروپا در رأی کادی ۲۰۱۰ و رأی دادگاه بدوی و تأیید این دیدگاه در دادگاه تجدیدنظر لاهه و دیوان عالی هلند در قضیه دانشجویان ایرانی مشاهده کرد که بر اساس آن، نخست آنچه مورد نقد و بررسی است مقرر اتحادیه اروپا است و نه بررسی مستقیم قطعنامه شورای امنیت و دوم، در هر دو قطعنامه تحریمی شورای امنیت در مورد طالبان و القاعده و ایران که در دو پرونده مزبور بررسی شده بود، شورای امنیت صرفاً نتیجه را از دولت‌های عضو ملل متحد خواسته و شیوه تحصیل مطلوب را بر عهده آن‌ها قرار داده بود. برای مشاهده رأی کادی، ن.ک: محبی و آذری، همان، صص ۴۴-۳۹.

101. *A and ors v. Netherlands*, para. 4.6.

102. *Ibid.*, para. 4.7.

این نکته خود امری شک‌برانگیز و قابل تأمل است. بنابراین باید ادله توجیهی قابل‌توجهی در خصوص این تفکیک وجود داشته باشد. دادگاه در ادامه چنین بیان می‌کند که هدف اصلاحیه مزبور مبنی بر ممانعت از کسب دانش در ورای مرزها که می‌تواند به فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران کمک کند، به‌خودی‌خود هدفی مشروع تلقی می‌شود.^{۱۰۳} با این حال، ایرادی که دادگاه بر اقدام هلند وارد می‌داند ابزارهای اجرایی این هدف است زیرا دادگاه معتقد است ابزارهای به‌کارگرفته‌شده در این خصوص مقتضی نبوده و متناسب نیستند. در این خصوص، اصلاحیه مزبور تفکیکی را درباره خطری که اشخاصی خاص در ارتباط با برنامه حساس هسته‌ای ایران به بار می‌آورند، به‌عمل‌نیآورده است؛ ضمن اینکه دولت هلند می‌توانست جایگزین‌های کمتر محدودکننده‌ای را انتخاب کند، مانند اینکه اقدامات امنیتی موجود را از طریق اقداماتی خاص تشدید کند. به‌عنوان مثال، غربالگری محدودتر افراد و اعمال محدودیت در اعطای روادید به ایرانیان که کشورهایی مانند دانمارک و فرانسه در این زمینه این‌چنین عمل کرده‌اند.^{۱۰۴} در نتیجه، دادگاه بدوی، نقض ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را در این پرونده احراز می‌کند.^{۱۰۵} طبق اصل ۴۹ قانون اساسی هلند (مصوب ۱۸۱۵) مقررات حقوق بین‌الملل در هلند، خوداجرا بوده و بر قوانین داخلی متعارض اولویت دارند.^{۱۰۶}

در نقدی که بر این رأی آمده گفته شده است که دولت‌های دیگری مانند بریتانیا در راستای اجرای قطعنامه ۱۳۷۳، مصوب ۲۰۰۱ شورای امنیت دست به اقداماتی ملی زده‌اند که از نظر دیوان عالی این کشور مورد قبول نبوده و باطل شده است.^{۱۰۷}

علاوه بر این از نحوه استدلال دادگاه در خصوص تفسیر تعهدات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت و تعهدات ناشی از معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی بخصوص در مورد حقوق بنیادین اشخاص

103. *Ibid.*, para. 4.9.

104. *Ibid.*, para. 4. 10.

105. در خصوص منع تبعیض در اعمال تحریم، برخی نویسندگان این اصل را مدنظر قرار داده و معتقدند که برخی از اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان اعمال تحریم‌ها نیز کاربرد پیدا می‌کنند که از آن جمله می‌توان به اصل ضرورت اعمال تحریم، تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان یا تفکیک میان اشخاص تحریمی و سایر آحاد مردم و همچنین منع تبعیض به‌عنوان درجه‌ای پایین‌تر از اصل تفکیک اشاره کرد. رهیافت این رأی نیز این نکته را بازگو می‌کند که اعمال تحریم آموزشی در خصوص اتباع ایرانی نباید به نحوی صورت بگیرد که ناقض تعهدات دیگر دولت هلند از جمله منع تبعیض شود. برای مطالعه در خصوص اعمال اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تحریم‌ها، ن.ک:

Michael Reisman and Douglas Stevick, "The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes", *EJIL*, Vol. 9, 1998, pp. 86-141; Mallory Owen, "The Limits of Economic Sanctions under International Humanitarian Law: The Case of the Congo", *TILJ*, Vol. 48, 2012, pp. 104-123.

106. *Ibid.*

107. Hollenberg, *op.cit.*, p. 3, A4.

در قضیه مشابه در دیوان عالی بریتانیا اعلام شد که اقدامات ملی انجام‌شده غیرضروری بوده و از اختیارات اعطایی به دولت در اجرای قطعنامه فراتر رفته است. ن.ک:

HM Treasury v Mohammed Jabar Ahmed and ors, (2010) UKSC, at: https://www.supremecourt.uk/decided-cases/docs/uksc_2009_0016_judgment.pdf

انتقاد شده است. برخی گفته‌اند که استدلال مختصر دادگاه بدوی در مورد اولویت تعهدات ناشی از قطعنامه‌های فصل ۷ منشور بر مبنای جمع مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور در صورت صدور تجویز صریح و اکید شورای امنیت مبنی بر اعمال تفکیک و تبعیض در مورد آموزش اتباع ایرانی در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر تعهدات منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر هلند قابل تأمل است زیرا دادگاه می‌توانست در صورت وجود چنین فرضی به رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا در قضیه کادی استناد کند و به حمایت از حقوق بنیادین افراد بپردازد.^{۱۰۸}

پس از صدور این رأی، وزرای امور خارجه و آموزش، فرهنگ و علوم هلند در پاسخ به پرسشی مبنی بر اعتبار دستورالعمل تحریمی، مصوب ۲۰۰۷ این کشور اعلام کردند که این رأی صرفاً اثری نسبی میان طرفین دارد و دولت هلند بر این اعتقاد است که مصوبه تحریمی مزبور همچنان پابرجاست و باید در خصوص سایر اتباع ایرانی در وضعیت‌های مشابه اعمال شود. برخی در توجیه این تصمیم دولت هلند گفته‌اند که تجربه تلخ این کشور در سرقت طرح‌های سانتریفیوژ توسط عبدالقادر خان، پدر بمب هسته‌ای پاکستان در دهه ۷۰ میلادی از محل غنی‌سازی اورانیوم اورنکو در هلند موجب شده است تا این کشور سختگیری‌های بیشتری را در این خصوص اعمال کند.^{۱۰۹} نکته قابل ذکر دیگر در این رابطه این است که دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی *نادا* اعلام کرد که قطعنامه شورای امنیت در خصوص اعمال محدودیت بر افراد مظنون به ارتکاب، تسهیل و هرگونه مساعدت به عملیات‌های تروریستی، محدود است و حاشیه صلاحیتی را برای دولت‌های عضو ملل متحد باقی گذاشته است تا در زمان اجرا بر اساس مقتضیات ملی خویش مقررات اجرایی لازم را تصویب کنند. یکی از این مقتضیات ملی می‌تواند اصول قانون اساسی کشورها و همچنین تعهدات مربوط به صیانت از حقوق بنیادین افراد به هنگام مقابله با تروریسم باشد.

۴-۱. درخواست تجدیدنظر از رأی دادگاه بدوی

در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰، دولت هلند از رأی دادگاه بدوی لاهه در دادگاه تجدیدنظر این شهر درخواست تجدیدنظر کرد.^{۱۱۰} تجدیدنظرخواهان معتقد بودند که دستورالعمل تحریمی ۲۰۰۷ با اصلاح ۲۰۰۸ صرفاً آن دسته از افراد ایرانی را مشمول ممنوعیت تحصیل می‌داند که خطر انتقال اطلاعات حساس امنیتی به ایران را در بر داشته باشند. بند ۲،۶ این نکته شایان ذکر است که پس از صدور رأی

108. Hollenberg, *op.cit.*, p.3, A5.

109. Hollenberg, *op.cit.*, p. 3, A7. Also, See:

<http://news.sciencemag.org/2010/02/court-rebukes-dutch-policy-iranian-scientists>

110. Appeal; *Netherlands (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture and Science) v A and ors*, LJBQ4781, 26 April, 2011.

ترجمه انگلیسی این رأی در تارنمای زیر قابل دسترسی است:

<http://internationallaw.blogfa.com/post-748.aspx>

دادگاه بدوی، دولت هلند در اصلاحیه ۲ ژوئیه ۲۰۱۰ دستورالعمل تحریمی را چنین اصلاح کرد که آموزش دانش یا مهارت به اتباع ایرانی که می‌توانند به فعالیت‌های هسته‌ای ایران یا توسعه سامانه‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای کمک کنند، بدون مجوز وزارت آموزش، فرهنگ و علوم ممنوع است. اما تجدیدنظرخوانندگان همچنان بر تبعیض آمیز بودن مبنای تفکیک میان اتباع ایرانی و غیرایرانی تأکید داشتند.^{۱۱۱}

نکته اصلی که دولت هلند همچنان معتقد است دادگاه بدوی به اندازه کافی بدان توجه نداشته این است که امکان بازبینی قضایی دستورالعمل تحریمی بر مبنای تبعیض ادعایی تجدیدنظرخوانندگان در مقابل قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت وجود ندارد زیرا قطعنامه شورا بر مبنای ماده ۱۰۳ منشور در برابر هر تعهد دیگر دولت هلند از اولویت برخوردار است.^{۱۱۲} دادگاه تجدیدنظر لاهه نیز با تأیید یافته دادگاه بدوی اعلام می‌کند که حتی اگر قطعنامه ۱۷۳۷ دولت هلند را ملزم به انجام تفکیک بر مبنای ملیت افراد کرده باشد، این امر مانع از آن نخواهد بود که این دادگاه را از بازبینی قضایی اجرایی داخلی دولت در قبال حقوق بنیادین افراد، مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حقوق حاکم بر جامعه اروپایی بازدارد؛ ضمن اینکه دولت هلند نتوانسته است مقتضی بودن و متناسب بودن تبعیض رواداشته در خصوص اتباع ایرانی را اثبات کند زیرا دولت هلند نتوانسته این موضوع را در برنامه منضم به دستورالعمل تحریمی یا اسناد ارائه شده به دادگاه ثابت کند. بنابراین درخواست تجدیدنظر رد می‌شود.^{۱۱۳}

۲-۴. درخواست استیناف از رأی تجدیدنظر در دیوان عالی هلند

در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲ درخواستی مبنی بر فرجام‌خواهی از رأی تجدیدنظر دادگاه لاهه در دیوان عالی هلند (با حضور شش قاضی) از سوی وزارتخانه‌های امور خارجه و آموزش، فرهنگ و علوم مطرح شد.^{۱۱۴} دولت هلند در این مرحله نیز باز بر این نکته تأکید می‌ورزد که برای اینکه قادر باشد تا به تعهد ناشی از قطعنامه عمل کند، چاره‌ای جز اعمال تفکیک بر مبنای ملیت ندارد و تا حدی که این تعهد با سایر تعهدات بین‌المللی مغایرت پیدا می‌کند، تعهد ناشی از قطعنامه شورای امنیت به واسطه ماده ۱۰۳ منشور بر سایر تعهدات اولویت خواهد داشت.^{۱۱۵} در مقابل، پژوهش‌خوانندگان ایرانی نیز ادعاهای سابق خود را مطرح می‌کردند از جمله اینکه اقدام دولت هلند فراتر از مقررات

111. *Ibid.*, para. 2.7.

112. *Ibid.*, para. 6.3.

113. *Ibid.*, paras. 6.4- 7.1.

114. *Netherlands v A and ors*, Appeal, Decision No LJN: BX8351, ILDC 1959 (NL 2012), 14th December 2012, Supreme Court [HR], Oxford Reports on International Law in Domestic Courts, available at: <http://opil.ouplaw.com/home/ORIL>.

115. Stephan Hollenberg, "Report and Analysis of the Judgment "Netherlands v A and ors, Appeal, Decision No LJN: BX8351", ILDC 1959 (NL 2012), 14th December 2012, Supreme Court", p. 2, F 7.

قطعنامه ۱۷۳۷ و موضع مشترک مصوبه ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا است و تناسبی درباره اهداف موردنظر این دو سند رعایت نشده است.

دیوان عالی هلند بر این باور است که منشور دست دولت‌ها را در نحوه اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت در نظم حقوقی داخلی دولت‌ها باز گذاشته است و بر همین اساس، تعهد به اجرای مقررات قطعنامه، دولت‌ها را از مدنظر قراردادن سایر تعهدات‌شان از جمله تعهدات مربوط به حقوق بنیادین افراد بازمی‌دارد. بنابراین، قاضی اصولاً لازم است تا مقرر اجرای قطعنامه شورای امنیت را بر اساس حقوق بنیادین بازبینی کند که این حقوق، خود بخشی از حقوق اتحادیه اروپا تلقی می‌شود.^{۱۱۶} دیوان عالی در ادامه اظهار می‌دارد «اینکه دولت صرفاً به این موضوع استناد کند که دستورالعمل تحریمی در راستای اجرای قطعنامه تصویب شده کافی نیست بلکه همچنان که دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده *نادا* در ۲۰۱۲ اعلام کرد، دولت هلند باید به نحو متقاعدکننده‌ای استدلال کند که تمام اقداماتی را که برای هماهنگ‌سازی تعهدات بین‌المللی ظاهراً متعارض لازم بوده انجام داده است».^{۱۱۷}

دیوان نحوه اجرای دستورالعمل را بر مبنای تفکیک افراد بر اساس تابعیت نمی‌پذیرد و در این باره، دولت هلند را به رویه دولت‌های بلژیک و فرانسه رهنمون می‌شود که در بلژیک شرط دسترسی به تأسیسات هسته‌ای، پاک‌بودن فرد از لحاظ امنیتی است و در فرانسه اگر فردی بخواهد در دوره مطالعاتی یا مهارتی درخواست بدهد، ابتدا توسط هماهنگ‌کننده‌های امنیتی ارزیابی می‌شود؛ ضمن اینکه دیوان معتقد است موضع مشترک اتحادیه نیز در پی ایجاد تفکیک بر مبنای تابعیت نیست بلکه صرفاً در پی اجرایی کردن قطعنامه ۱۷۳۷ در خصوص اقدامات مربوط به صدور فناوری و مساعدت فنی است. به علاوه اتحادیه اموال و منابع اقتصادی اشخاص تعیین شده تحریمی را مسدود کرده است. بر این اساس، قطعنامه ۱۷۳۷ دولت‌ها را متعهد به تفکیک میان اتباع ایرانی و غیرایرانی نمی‌کند.^{۱۱۸}

بر این مبنا دولت هلند نتوانسته به طور قانع‌کننده‌ای اثبات کند که در صدد انجام اقداماتی جهت هماهنگ‌سازی تعهدات متعارض خود یعنی تعهدات ناشی از قطعنامه ۱۷۳۷ و تعهدات ناشی از رعایت حقوق بنیادین افراد یعنی عدم تبعیض انجام داده است. از طرف دیگر، دولت هلند نتوانسته این استدلال خود را اثبات کند که اقدامات اتخاذی در کشورهای دیگر در هلند ناکافی و غیرمقتضی خواهد بود. نکته آخر اینکه دیوان اعلام می‌کند «دولت هلند نتوانسته توضیح معقولی ارائه کند مبنی بر اینکه چرا منع اتباع ایرانی از گذراندن دوره مهارتی یا آموزشی تخصصی، اقدامی متناسب

116. *Netherlands v A and ors*, Appeal, Decision No LJN: BX8351, ILDC 1959 (NL 2012), 14th December 2012, Supreme Court, *op.cit.*, para. 3.6.2.

117. *Ibid.*, para. 3.6.6.

118. *Ibid.*, paras. 3.4.6-7.

و ضروری برای جلوگیری از فعالیتهای حساس اشاعه و توسعه سامانه‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای خواهد بود».^{۱۱۹}

در تفسیری بر این رأی چنین گفته شده که از آنجا که معمولاً قطعنامه‌های شورای امنیت به شکلی انتزاعی نگاشته می‌شوند، برای دولت‌ها به‌طور مستقیم تعهدی ایجاد نخواهند کرد و این تعهدات باید به شکل مقررات اجرایی توسط ارگان‌های دولتی وارد نظام حقوقی دولت‌ها شود. حتی در دولت‌هایی مانند هلند نیز که حقوق بین‌الملل را بخشی از حقوق خود می‌دانند باید چنین کنند. در هر دو بخش تجدیدنظر و دیوان عالی هلند، هر دو دادگاه به رویه ایجادشده در پرونده *کادی* در دیوان دادگستری اروپا اشاره کرده و اذعان داشتند که اجرای داخلی، مقوله‌ای مجزا از خود قطعنامه‌های شورای امنیت است و دادگاه داخلی این حق را دارد تا در خصوص انطباق مقررات اجرایی داخلی با موازین مربوط به حقوق بنیادین اظهارنظر کند.^{۱۲۰} با این حال، چنین گفته شده که تفاوت دو دادگاه در اشاره به رأی *کادی* در این است که دادگاه تجدیدنظر لاهه به احتمال بازمینی مقررات اجرایی‌کننده قطعنامه‌های شورای امنیت بر اساس موازین مندرج در کنوانسیون حقوق بشر اروپا اشاره داشته است و دیوان عالی هلند به اصول کلی حقوق موجود در اتحادیه اروپا.^{۱۲۱}

با وجود این، همان‌گونه که اشاره شده، در پرونده *نادا*، دیوان حقوق بشر اروپا، فرضی را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه باید چنین فرض کرد که شورای امنیت قصد ندارد تا برای دولت‌های عضو، تعهداتی ایجاد کند که در تعارض با تعهدات حقوق بشری آن‌ها باشد. بنابراین اگر شورای امنیت در قطعنامه خود از زبانی صریح و روشن در امکان ایجاد این تعارض استفاده کند، چنین فرضی مردود خواهد شد. دیوان عالی هلند، لزومی ندید تا در این پرونده از این فرض استفاده کند.^{۱۲۲}

همچنین برخی اعتقاد دارند که دیوان عالی هلند با طرح این پرسش که آیا دولت هلند تمام اقدامات لازم را برای پرهیز از اعمال تفکیک بر اساس تابعیت انجام داده یا خیر، در عمل تمایز میان دو موضوع را به هم درآمیخته است. نخست، تعهد به هماهنگ‌سازی تعهدات متعارض به‌عنوان فنی تفسیری و دیگری، تعهد دولت‌ها به هنگام اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و توجه به وضعیت و خصوصیات افرادی که تحت تأثیر این تصمیمات قرار گرفته‌اند. در پرونده *نادا* دیوان حقوق بشر اروپا معتقد بود که دولت سوئیس تعهد اخیر یعنی توجه به وضعیت ویژگی‌های فرد تحریمی را در نظر نگرفته است.^{۱۲۳} اما دیوان عالی هلند به این موضوع در مورد خواهان‌های ایرانی نپرداخت.

119. *Ibid.*, para. 3.8.2.

120. Hollenberg, Report and Analysis of the Judgment, *op.cit.*, p. 3, A1-3.

121. *Ibid.*, p. 3, A5-6.

122. *Ibid.*, p. 3, A8.

123. *Ibid.*, p. 3, A9.

به هر حال، دیوان عالی هلند سعی کرده تا با استناد به پرونده *نادا* در دیوان حقوق بشر اروپا به موضوع تعهد به هماهنگ‌سازی تعهدات متعارض بپردازد و با خاطر نشان کردن این نکته که تفسیر دادگاه‌های تالی در خصوص نادرستی تفکیک بر اساس ملیت تفسیری صحیح است، این موضوع را به دولت هلند یادآور می‌شود که برای اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ می‌بایست به نحوی عمل می‌کرد که تعارضی میان تعهد به اجرای قطعنامه شورا و سایر تعهدات حقوق بشری دولت ذی‌ربط ایجاد نشود.

نتیجه

در طی سال‌های اخیر دعاوی متعددی له و علیه اشخاص ایرانی در دادگاه‌های داخلی کشورهای مختلف مطرح شده است. این دعاوی که مرتبط با تحریم‌های اعمالی علیه ایران‌اند فرصتی را در اختیار دادگاه‌های ملی قرار داده است تا در مورد نحوه اعمال محدودیت‌ها و تحریم‌ها علیه اشخاص ایرانی تصمیم‌گیری کنند. در دعاوی که در کشورهای سنگاپور، بریتانیا و هلند اقامه شده است دادگاه‌های کشورهای ذی‌ربط در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران و نیز قوانین داخلی مصوب مرتبط با این قطعنامه‌ها، تصمیماتی اتخاذ کرده‌اند که بیانگر چگونگی اجرای مقررات تحریمی از سوی دادگاه‌های یادشده در مورد اشخاص ایرانی است. بررسی آرای دادگاه‌های ملی در خصوص اعمال مقررات تحریمی نشان می‌دهد که چگونه نظام‌های قضایی ملی، قطعنامه‌ها و مقررات تحریمی مرتبط با ایران را در دوره پیش از برجام تفسیر و اجرا کرده‌اند. رأی دیوان عالی سنگاپور نشان می‌دهد که تا چه حد دادگاه‌های این کشور در مواجهه با خواندگان ایرانی ضمن دقت در اجرای محدودیت و موانع ایجادی در قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران می‌توانند با تفسیر موسع از عبارات مندرج در قطعنامه‌های تحریمی، آرای مستقل و مستدل و بدون توجه به تصمیمات سایر دادگاه‌ها از جمله در اتحادیه اروپا صادر کنند. رأی دیوان عالی بریتانیا از آن جهت واجد اهمیت است که در مورد یکی از بانک‌های فعال در بریتانیا صادر شده است. در دوران پیش از برجام، اغلب بانک‌های ایرانی مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفتند. بانک ملت با طرح دعوا در دادگاه‌های بریتانیا خواستار ابطال دستورالعمل تحریمی علیه بانک مزبور شد. دیوان عالی بریتانیا طی حکمی اعلام کرد که گرچه نظام بانکی ایران بستری مناسب برای تأمین مالی و اعتبار مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت هسته‌ای ایران است، تعیین‌گزینشی بانک ملت به‌عنوان بانک ایرانی که مشمول دستورالعمل وزارت خزانه‌داری این کشور قرار گرفته، تبعیض‌آمیز، خودسرانه و غیرمنطقی بوده است؛ ضمن اینکه در پرونده حاضر، ادله کافی برای اثبات اینکه بانک مزبور در تأمین منابع مالی و اعتباری برنامه هسته‌ای ایران نقش داشته است وجود ندارد. نکته قابل توجه در این رأی، عدم توجه دیوان عالی بریتانیا به رویه قضایی

بین‌المللی و آرای دادگاه‌های ملی سایر کشورها از جمله رأی دیوان دادگستری اروپا در پرونده بانک ملت است.

در پرونده شکایت ایرانیان شاغل به تحصیل در هلند علیه وزارت امور خارجه و آموزش و فرهنگ و علوم این کشور مبنی بر ممنوعیت اعمال تبعیض و لزوم رعایت اصل تناسب که با توجه به معاهدات بین‌المللی و قانون اساسی هلند مطرح شد، دادگاه‌های هلند به نفع دانشجویان ایرانی رأی صادر کردند. به نظر دادگاه بدوی، قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، دولت‌ها را ملزم به تفکیک بر اساس ملیت نمی‌کند که اساساً امری غیرضروری و غیرقابل توجیه است. دادگاه مزبور، نقض ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را احراز کرد. دادگاه تجدیدنظر ضمن تأیید رأی دادگاه بدوی اذعان می‌دارد حتی اگر قطعنامه ۱۷۳۷ دولت هلند را ملزم به انجام تفکیک بر مبنای ملیت کرده باشد، مانع از آن نخواهد بود که دادگاه‌های این کشور اجرای داخلی آن را با توجه حقوق بنیادین افراد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حقوق حاکم بر جامعه اروپایی باز دارند؛ ضمن اینکه دولت هلند نتوانسته است مقتضی بودن و متناسب بودن تبعیض علیه اتباع ایرانی را ثابت کند. دیوان عالی کشور هلند ضمن تأیید آرای دادگاه‌های تالی از دولت هلند می‌خواهد تا در اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ به نحوی عمل کند که تعارضی میان تعهد به اجرای قطعنامه شورای امنیت و تعهدات حقوق بشری دولت ذی‌ربط ایجاد نشود.

آرای دادگاه‌های سنگاپور، بریتانیا و هلند نشان می‌دهد که تا چه حد اقدامات قضایی در دادگاه‌های ملی می‌تواند در تبیین شرایط و نحوه اعمال محدودیت‌ها و موانع مذکور در قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت یا سایر مقررات تحریمی در راستای اعمال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد مؤثر باشد. رهیافت دادگاه‌های ملی در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند مورد توجه طرف‌های ایرانی مرتبط با این‌گونه دعاوی قرار گیرد و به اشخاص ایرانی فعال در بخش تجاری و همچنین نهادهای دولتی دست‌اندرکار کمک کند تا در دوران پسابرجام و به‌ویژه پس از خروج ایالات متحده از برجام و اعاده تحریم‌ها علیه ایران، رهیافت حقوقی کشورهای مختلف را در بررسی اختلافات حقوقی مرتبط با تحریم‌های اعمال شده بر ایران درک کنند و آن‌ها را در آینده روابط حقوقی خود با نهادهای دولتی و خصوصی کشورهای دیگر مدنظر قرار دهند.

علاوه بر این، آرای دادگاه‌های داخلی ناظر بر تحریم‌های اعمالی علیه اشخاص ایرانی می‌تواند الهام‌بخش قضات ایرانی باشد تا با تعیین وضعیت و مناسبات میان حقوق داخلی ایران و حقوق بین‌الملل، رویه داخلی لازم را در این خصوص ایجاد کنند زیرا دادگاه‌های داخلی کشورهای مختلف در حقوق بین‌الملل معاصر به تکاپو افتاده و به دنبال ایجاد رویه قضایی در حوزه‌های مختلف هستند تا از این طریق در ایجاد و توسعه حقوق بین‌الملل مشارکت کنند. این نکته مهم باید مورد توجه

قضات ایرانی نیز قرار گیرد.

اخباری از گوشه و کنار در خصوص صدور برخی آرا در مورد تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران و اشخاص ایرانی تحریم‌شده به گوش می‌رسد که این امر مستلزم اطلاع‌رسانی نهادهای مربوطه و در اختیار قراردادن حقایق مربوط به پرونده یا دست‌کم، متن آرا است. امروزه در دنیایی که بخصوص پس از خروج ایالات متحده از برجام، قصد اعمال فشار از طریق تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه بر ایران و به‌هدر رفتن سرمایه‌های این مرز و بوم و در نتیجه، کاهش سطح رفاه عموم مردم وجود دارد، باید دیدگاه منسجمی در سایه هماهنگی و همکاری نهادهای متولی و متأثر از تحریم‌ها نظیر قوای سه‌گانه کشور انجام شود.

نکته پایانی در خصوص وظیفه نهادهای دولتی متولی همچون وزارت امور خارجه یا معاونت حقوقی ریاست جمهوری کشور در اطلاع‌رسانی از پرونده‌های تحریمی خواهان‌های ایرانی در محاکم کشورهای مختلف جهان است تا از این طریق بتوان رویه قضایی منسجم و در نتیجه، راهبرد قضایی بهتر و مؤثری را برای خواهان‌های ایرانی در قبال تحریم‌های مربوط به اشخاص ایرانی تحریم‌شده اتخاذ کرد.



منابع:

الف. فارسی

- ≠ محبی، محسن و هادی آذری؛ «پاسخ‌هایی جدید به سؤال‌هایی قدیمی: درس‌هایی از آرای کادی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۴، ۱۳۹۵.
- ≠ میرعباسی، سیدباقر و عبدالله عابدینی؛ شورای امنیت و تروریسم: اشارات و تنبیهات محاکم ملی، در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم، مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، سیدقاسم زمانی (ویراستار)، شهر دانش، ۱۳۹۲.

ب. انگلیسی

- Books

- ≠ Alexander, Kern, *Economic Sanctions: Law and Public Policy*, Palgrave Macmillan, 2009.
- ≠ Farrall, Jeremy Matam, *United Nations Sanctions and the Rule of Law*, Cambridge University Press, 2007.
- ≠ Gowlland-Debbas, Vera, *The Security Council and Issues of Responsibility under International Law*, Recueil des cours, 2012.

- Articles

- ≠ Kausch, Hans G., "Embargo", in, *EPIL*, Vol. 8, Elsevier Science Publishers, 1985.
- ≠ Orakhelashvili, Alexander, "The Impact of The EU's Unilateral Economic Sanctions on The UN Collective Security Framework", in, *Géostratégie* n° 40 • 3e trimestre, *Les sanctions visant à préserver la non-prolifération nucléaire*, 2013.
- ≠ Owen, Mallory, "The Limits of Economic Sanctions under International Humanitarian Law: The Case of the Congo", *TILJ*, Vol, 48, 2012.
- ≠ Reisman, Michael and Douglas Stevick, "The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes", *EJIL*, Vol, 9, 1998.
- ≠ Wood, Michael C., "The Interpretation of Security Council Resolutions", *Max Planck YB UN Law*, Vol. 73, 1998.
- ≠ Zhixiang, Seow, "Interpreting and Applying the UNSC Sanctions on Iran in the Admiralty Context: The Sahand [2011] SGHC 27", at: <http://www.ejiltalk.org/interpreting-and-applying-the-uns-c-sanctions-on-iran-in-the-admiralty-context-the-sahand-2011-sghc-27/#more-3296>.

- Reports and Instruments

- ≠ Consolidated List of Financial Sanctions Targets in The UK, Last Updated:

29/07/2013.

- ≠ Constitutional Reform Act 2005.
- ≠ Counter-Terrorism Act 2008.
- ≠ Hollenberg, Stephan, “Report and Analysis of the Judgment “Netherlands v A and ors, Appeal, Decision No LJN: BX8351”, *ILDC* 1959 (NL 2012), 14th December 2012, Supreme Court.
- ≠ Hollenberg, Stephan, “Report and Analysis of the Judgment A and ors v Netherlands (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture, and Science), First Instance Judgment.
- ≠ International Emergency Economic Powers Act of 10 September, 2008.
- ≠ Interpretation Act, (Original Enactment: Act 10 of 1965) Revised Edition 2002.
- ≠ Iran (Financial Sanctions) Order 2007, available at: <http://www.legislation.gov.uk/uksi/2007/281/contents/made>
- ≠ The United Nations (Sanctions – Iran) Regulations 2007 (S 105/2007).
- ≠ United Nations Act 1946, available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Geo6/9-10/45/contents>.

- Case Law

- ≠ *A and ors v Netherlands* (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture, and Science), First instance judgment, LJN: BL1862/334949; *ILDC* 1463 (NL 2010) 3 February 2010, Oxford Reports on International Law in Domestic Courts, available at: <http://opil.ouplaw.com/home/ORIL>
- ≠ Appeal; *Netherlands (Ministry of Foreign Affairs and Ministry of Education, Culture and Science) v A and ors*, LJBQ4781, 26 April 1 2011.
- ≠ *Asylum Case (Colombia v. Peru)*, I.C.J Reports 1950, p. 402.
- ≠ *Bank Mellat (Appellant) v Her Majesty's Treasury* (Respondent) (No. 2), para. 12.
- ≠ *Bank Mellat v Council of the European Union, v European Commission* [2013] EUECJ T-496/10 (29 January 2013).
- ≠ *Bank Saderat Iran v Council of the European Union, v European Commission* [2013] EUECJ T-494/10 (05 February 2013).
- ≠ *Bank Sina v Council of the European Union, v European Commission* [2012] EUECJ T-15/11 (11 December 2012).
- ≠ C-213/89 *Factortame I* [1990] ECR I-2433.
- ≠ Case 6/64, *Falminio Costa v. ENEL* [1964] ECR.
- ≠ *Frontini v. Ministero delle Finanze* [1974] 2 CMLR.
- ≠ *Netherlands v A and ors*, Appeal, Decision No LJN: BX8351, *ILDC* 1959 (NL 2012), 14th December 2012, Supreme Court [HR], Oxford Reports on International Law in Domestic Courts, available at: <http://opil.ouplaw.com/home/ORIL>

- ≠ *Netherlands v A and ors*, Appeal, Decision No LJN: BX8351, ILDC 1959 (NL 2012), 14th December 2012, Supreme Court, op.cit, para. 3.6.2.
- ≠ *The "Sahand" and other applications [2011] SGHC 27*, available at: <http://www.singaporelaw.sg/sglaw/laws-of-singapore/case-law/free-law/high-court-judgments/14452-the-ldquo-sahand-rdquo-and-other-applications-2011-sghc-27>

- Websites

- ≠ <http://app.supremecourt.gov.sg/default.aspx?pgID=43>.
- ≠ <http://news.sciencemag.org/2010/02/court-rebuked-dutch-policy-iranian-scientists>.
- ≠ http://vorige.nrc.nl/international/article2475111.ece/Boycott_banning_Iranians_from_Dutch_nuclear_sites_overturned.
- ≠ http://www.iraansesstudenten.nl/docs/KNAW_letter_Iranian_students.pdf
- ≠ http://www.legislation.gov.uk/ukxi/2007/281/pdfs/ukxi_20070281_en.pdf
- ≠ http://www.nytimes.com/2013/06/20/world/europe/british-court-rules-against-sanctions-on-iranian-bank.html?_r=1&.
- ≠ <http://www.supremecourt.gov.uk/about/role-of-the-supreme-court.html>
- ≠ http://www.supremecourt.gov.uk/decided-cases/docs/UKSC_2011_0040_Judgment.pdf
- ≠ <http://www.supremecourt.gov.uk/docs/supreme-court-and-the-uks-legal-system.pdf>
- ≠ www.internationallaw.ir.